

باشیاء تلگرافی روسها منطور که فرمودند مقداری موجود است و در تلگراف خانه ضبط شده است و صورتش هم خیلی مفصل است می نویسد (چوب تلگرافی نظامی ۲۱۶ اصله) این صورت خیلی مفصل است و خواندن ندارد.

مقصود اینکه تمام این اسباب ها در تصرف خود دولت است اما راجع به سیم از مشهد به سیستان جوابش را بعد عرض میکنم.

ولی راجع به سیم کردند و قصر بنده تحقیق کردم گویا متعلق بایران نیست و مقتضیات نظامی آن سیم را ایجاد کرده است بهر حال البته اقدامات خواهد شد که بدولت واگذار شود.

رئیس - شاهزاده سردار مخم راجع به بستخانه بنادر سوال دیگری داشتید.

سردار مخم - يك سوال دیگر بنده راجع به بستخانه هائی بوده که دولت انگلیس در بعضی از بنادر و سواحل جنوبی تاسیس کرده و مطابق قرارداد کنگره مادرید بایستی در اول ژانویه ۱۹۲۲ آنها را برچینند و در يك نقطه از آنجا که از محوره به بیادان باشد بدون اینکه امتیاز یا قرار دادی از دولت ایران داشته باشد سیم کابل در اول ژانویه ۱۹۲۲ تمام را برچینند و دولت علیه بجای آنها تاسیس بست و بستخانه نماید اگر چه چند روز قبل یکی از نمایندگان محترم این سوال را بطور اختصار نمود و آقای وزیر پست و تلگراف در جواب اظهار نمودند که تا سه چهار ماه دیگر پستها بر چیده می شود چون بنده علت تفویق تا چهار ماه دیگر را ندانستم می خواهم بدانم آیا ممکن است علت را بیان فرمایند و نیز برای تلگرافخانه آنجا چه اقدامی فرموده و يك نکته دیگر را هم تذکر آ عرض میکنم آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند که انگلیس ها در شش نقطه بستخانه دارند و حال آنکه در نه نقطه است و آن قرار داد شامل کلیه آنهاست آیا به این مسئله هم توجه فرموده اند یا خیر؟

وزیر پست و تلگراف - در چند جلسه قبل یکی از نمایندگان محترم این سوال را از بنده فرمودند و جواب را هم عرض کردم گمان می کنم آقای سردار تشریف نداشتند یا اینکه فرموده اند بنده عرض نکردم شش نقطه عرض کردم شش نقطه است که تحت دفاتر هند بوده است و سه نقطه است که مطیع دفاتر بین النهرین است و خواهش نمودم که اعتماد فرمایند همانطور که آن روز عرض کردم بگذارند تا اقداماتی که لازم است بعمل آید و نتیجه مطلوبه حاصل شود و اگر هم تجدید سوال فرمایند فعلا از جواب آن معذورم

رئیس - آقای سلیمان میرزادرموضوع سیم تلگراف کرد نظرها تجدید سوال دارند سلیمان میرزا - البته آقای وزیر آن قدرها از قوانین مملکتی مسبق هستند و این جمله را که فرمودند البته برمیگزینند و تکذیب میفرمایند وقتی که قشون پست دولت اجنبی بزور سر نیز وارد یک مملکت دیگر می شود بهیچوجه حق کشیدن سیم تلگراف و اقدامات ظالمانه دیگر ندارد بنابراین اگر نظامیان انگلیس سیم تلگراف کشیده اند با اقدام دیگری کرده باشد بهیچوجه تعلق بآنها ندارد بلکه يك عمل غاصبانه و ظالمانه کرده اند و باید چیران این خیانت را بکنند و هیچ مقتضی نبود که آقای وزیر در مجلس رسمی بفرمایند که سیم کردند متعلق به نظامیان انگلیس است جز يك محل بدون اجازه کرده اند و هیچ کس بآنها اجازه نداده است که این سیم را بکشند و هر کس بدون اذن صاحب ملک سیمی بکشند آن سیم متعلق بصاحب ملک است بنابراین چون این عبارت برخلاف نظر و عقیده بنده بلکه برخلاف تمام قوانین عدل و انصاف دنیا بوده و برای اینکه اثری از این کلمه ایشان (که اشتباه فرمودند) در آیه پیدا نشود فوراً از آقای رئیس استناده کردم که اجازه بفرمایند تا تجدید سوالی بکنم و آن این است که آیا سرکار این مطلب را از روی واقع می فرمایند نه این سیم کردند متعلق بانگلیس ها است یا اینکه اشتباه فرمودید؟ و البته برای اینکه رقم سوء تفاهم بشود بعد از آنکه تعمق و تفکری تکذیب خواهند فرمود

وزیر پست و تلگراف - این سیم در موقعی که مناسبات قسم دیگری بوده است و شاید اجازه میداده است کشیده شده و امروز این سیم در دست دولت ایران و متعلق بایران است منتهی باید يك وجهی بآنها از بابت مخارج آن پرداخته شود و وزارت پست و تلگراف یا وزارت خارجه ایران مسئول اقدام است که آنرا محل و تصفیه نماید.

رئیس - آقای مستشار السلطنه هم راجع بیست خط مشهد سوالی داشتند مستشار السلطنه - بنده می خواستم از آقای وزیر سوال کنم اعتباری که برای سر پست از خط مشهد بطران داده شده و هم چنین مخارجی که در سنوات سابقه شده است میزانش چه مقدار بوده است

وزیر پست و تلگراف - آقای مخیر الدوله را بمعاونت وزارت پست و تلگراف معرفی می کنم معاون پست و تلگراف - مقصود حضرت تعالی کویا اداره حمل و نقل بستی است که از خراسان بطهران دایر است این اداره در سال قحطی برای اینکه عین خیلی گران بود و نتوانستند آنرا اداره کنند صاحبانش ناچار شدند تعطیل کنند و دولت برای اینکه مجبور بوده راه را نگاهداری کند مخارجی نموده و این

اداره را نگاهداری نماید ارسال میلان نیل دولت شروع صکر د بایشکه راه را اداره کند تقریباً شصت هزار تومان سرمایه گذاشتند و مشغول تنظیم راه شدند و يك اسبابهائی هم کرده بچه ها و جلال همایون و بعضی اشخاص دیگر داشتند که يك قسمتی خریدند شده و کم کم این راه عایداتی پیدا کرد و از آن عایدات آن اداره را توسعه دادند حالا اگر مقصود جنابعالی این است که تا بحال کلیه چقدر خرج این راه کرده اند؟

عرض می کنم که مقدمه شصت هزار تومان خرج کردند ولی در این چند ساله نیز چون دولت شروع کرد با اداره کردن راه طهران بقره تو یعنی از قم بعراق و از عراق بهمدان و از همدان بکرمانشاهان و از آنجا بقره تو و بعلاوه يك شعبه هم پیدا کرد از همدان به تویسرکان و از آنجا به بروجرود و حساب این دوره با هم مخلوط شده نمیتوان صحیحاً تعیین نمود که چه مبلغ خرج این راه کرده است و چه مبلغ خرج آن راه ولی مجموعاً قریب دو بیست و بیست هزار تومان خرج این دوره کرده است و در مقابل دوهزار و سیصد رأس اسب و مقهار زیادی کاری کالسکه درشکه و دلیچان دارد و هم چنین در تهران اداره آهنکارخانه و موسسات خوب دارد که مبالغی ارزش دارد و يك خانه در آنجا دولت خریده است مبلغ سیزده هزار تومان که امروز تقریباً شانزدهم هزار تومان قیمت دارد و بطور تحقیق قریب سیصد هزار تومان اسباب و اثاثیه دارد و يك راهپورت مفصلی راجع باین موضوع نوشته شده است که در آن راهپورت راجع بحمل و نقل و نفع و ضرر آن نیز ذکر شده است و مطلب موکول با اجازه مجلس است اگر اجازه بدهد دولت آنرا بترتیب سابق اداره کند و اگر اجازه ندید دولت اسباب های آنرا بمنزله گذارده و معمولات پستی را بمنافعه می دهد که حمل کنند آن راهپورت هم حاضر است و جزئیاتش هم تا بکفران و يك دینار در آن نوشته شده است

وزیر پست و تلگراف - بودجه وزارت پست و تلگراف با يك راهپورت تقدیم مجلس می شود

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (گفته شد تشریف ندارند)

رئیس - آقای سهام السلطان تشریف بیاورند و راهپورت کمیسیون بودجه را قرائت فرمایند

(آقای سهام السلطان بمضمون دیل قرائت نمودند)

لايحه نمره ۳۳۶۱ وزارت داخله راجع به تقاضای پانزده هزار تومان اعتبار برای مخارج انتخابات لايحه نمره ۳۷۹۲۱ وزارت مالیه

راجع به نهصد و هفت تومان مخارج گمرک خانه پشت کشیک دریانچی لايحه نمره ۳۷۶۲۵ وزارت مالیه راجع بخیریداری گمرک خانه در ساموار که قبل از تصویب پنجاه هزار تومان اعتبار دولت بمجلس پیشنهاد و بکمیسیون بودجه ارجاع شده بود چون اعتبار پنجاه هزار تومان در مجلس تصویب شد از طرف دولت لوابیح فوق مسترد گردید.

لايحه نمره ۴۴۰۷ وزارت پست و تلگراف راجع ببودجه است ده هزار تومان اعتبار که از تلگرافخانه بیست خانه کمک داده شود نیز از طرف وزارت پست و تلگراف مسترد گردید

لايحه نمره ۴۹۶۲ وزارت داخله راجع بساختن ۳ برج در راه کرمان نیز برای تجدید نظر به دولت مسترد گردید

رئیس - آقای حائری زاده راجع بچه مطلب است

حائری زاده - بنده گمان کردم علاوه بر آن پنجاه هزار تومان مجدداً اعتبار می خواهند خواستم اعتراض کنم.

رئیس - آقای محقق العلما ( اجازه )

رئیس - آقای رئیس کمیسیون عرایض تشریف بیاورند و این راهپورت را قرائت بفرمایند

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - رئیس کمیسیون عرایض بنده درست چشم نمی بیند آقای منشی قرائت بفرمایند

رئیس - آقای فتح الدوله تشریف بیاورند برای قرائت راهپورت

(آقای فتح الدوله راهپورت کمیسیون عرایض را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

جراز کمیسیون عرایض و مرخصی بمجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون عرایض و مرخصی در ۱۴ برج جدی منعقد پس از انتخاب هیئت رئیسه جلسات خود را مرتباً ادامه داده و بوظائف قانونی خود که رسیدگی بعرایض وارده است قیام و اقدام نمودند

و از تاریخ ۱۴ برج تادهم برج حوت به هزار دو بیست ظفری عرایض دارد و رسیدگی و مراجعه بمقامات مربوطه نموده خلاصه عملیات خود را بر حسب ماده ۷۵ در اطاق تنفس از نظر آقایان نمایندگان محترم گذرانیده چند فقره مطالب مهم را کمیسیون لازم می داند بعرض مجلس شورای ملی برساند.

اولا شکایات وارده از حکام و روساء دوائر ایالات و ولایات است که کمیسیون بمقامات مربوطه مراجعه می نماید و زراعت در جواب کمیسیون فقط بجوابی که مامورین

و حکام ولایات میدهند اکتفا می نمایند این جواب مأمورین نظر باینکه شکایات از خود مأمورین است کمیسیون را قانع نکرده عارضین هم شکایات خود را ادامه میدهند تا بیا شکایات وارده از اداره پست راجع بهرامات وجه امانات پستی است که بوزارت پست و تلگراف مراجعه شده وزارت جواب میدهند اداره پست مبلغ معتدله از بابت امانت پستی که سرقت شده بصاحبان اموال و تجارت میدون است پرداخت فرامات اموال مسروقه موکول بر این است که از طرف دولت و مجلس شورای ملی اعتباری بداره پست بدهند تا فرامات مذکور متدرجاً پرداخته و بشکایات وارده خاتمه داده شود

تا نا شکایات وارده از هیراز و خراسان در خصوص گمرک قالی های جوهری که تا بحال بر حسب رأی کمیسیون که در وزارت مالیه تشکیل شده بود صدی شش دریافت می نمودند و فعلا اداره گمرک اعلانی نموده که از اول حمل صدی بیست و پنج دریافت خواهند داشت باین جهت تجارت و صادرات قالی بکلی از میان میرود و ضرر عمده متوجه دولت و تجار خواهد شد ولیهذا تقاضا نموده اند همان گمرک سابق که صدی شش است دریافت دارند

را بماند شکایات مفصله از ولایات و ایالات در خصوص مالیاتها و عوارض که در ادوار فترت وضع و تحمیل بر آنها شده است اظهار اهالی این است که وضع مالیات از خصائص مجلس شورای ملی است و تا مجلس مالیاتی را تجویز و تصویب نماید اهالی از پرداخت آن معاف خواهند بود بوزارت جواب می دهند تا مجلس شورای ملی این قبیل عوارض را فسخ و الغاء بکند مالیه ناچار است این قبیل عوارض را فسخ و الغاء بکند مالیه ناچار است این است مسائلی که کمیسیون لازم میدانند بعرض مجلس مقدس رسانده نظریات آقایان نمایندگان را جلب و تکلیف این مسائل را موکول به آراء نمایندگان می نماید

رئیس -- امروز در این باب نمیشود مذاکراتی کرد طبع و توزیع میشود برای جلسه دیگر مذاکرات دو قانون شورای معارف است ماده چهارده مطرح است آقای حاج شیخ اسدالله موافق بودند

حاج شیخ اسدالله -- بلو

رئیس -- بفرمائید

حاج شیخ اسدالله -- در ضمن مخالفت هائی که شاهزاده سلیمان میرزا نمود نسبت بدو قسمت آن که بنده در نظر دارم فرمایشاتی فرمودند که لازم است جواب بدهم و نظریات خود را عرض کنم فرمودند خوب است شورای عالی معارف باین مدارس هم رسیدگی کند و يك تخصیص بمدارس قدیمه داده نشود

بنده تصور میکنم این مطلب صورت نمی گیرد زیرا وظایفی را که برای شورای

عالی معارف معین کرده اند غالب آنها راجع به معارف و تحصیلات ابتدائی و متوسطه بوده بنده تصور میکنم که این مدارس قدیمه نسبت بمدارس متوسطه مدارس عالی محسوب می شود زیرا دوره تحصیلاتشان بیست سال و سی سال طول میکشد

در صورتیکه مدارس متوسطه دوره تحصیلاتشان پنج باش سال است و بعلاوه طرز اداره کردن مدارس قدیمه طرز مخصوصی است که متخصصین به آن البصر هستند و بهتر می توانند اداره کنند اگر چه متأسف هستم که مدارس قدیمه تا کنون بهیچوجه محل توجه اولیای امور و مجلس واقع نشده و در تمام این مدتی که مذاکره راجع به معارف می شود بیشتر نظرها در اطراف تحصیلات ابتدائی و متوسطه دور میزند و مساعدتهای مالی هم که میشود فقط محدود می شود بمدارس ابتدائی و متوسطه ابتدائیه نمیشود که نسبت بمدارس قدیمه يك توجهات مخصوص یا يك مساعدتهای مالی شده باشد برای چه چیز مدارس قدیمه رو ببتزل گذاشته است برای همین است که توجه مخصوص نسبت بآنها نشده است اگر بادوار گذشته مراجعه فرمائید خواهید دید در دوره صفویه که يك توجه مخصوص بمال رو عایت داشتند چقدر صد مدرسه در اقطار و اطراف مملکت ساخته اند و امروز می بینیم که تمام آنها رو بتزل و انهدام میرود چرا برای اینکه مساعدتی با آنها نمی شود برای اینکه از آنها تشویق نمی شود بلکه بالا تر عرض می کنم بعضی از مدارس هم که يك موقوفاتی دارند می بینیم آن موقوفات را متولیانش به مصارف حقیقی خود نمی رسانند مثلا یکی از مدارس که امروز می توان آنرا از هر حیث يك مدرسه صحیحی تصور کرد و تمام کلاسهای ابتدائی و متوسطه و اکابر را دارا است همین مدرسه سه سالار است که پشت کوشمان است و اگر بنده بلند حرف بزنم صدای من آنجا میرسد و يك پرگرام صحیحی و مرتبی هم برای آن نوشته شده است ولی متأسفانه بسا این پرگرام و با این وضعیات چون محل توجه نیست رو بتزل میرود حالا درست از وضعیات آن اطلاع ندارم ولی در سابق که وضع خوبی نداشت و آنرا نان خانه ب مردم می دادند بالاخره با این وضع که فعلا مشاهده می شود گمان می کنم که تحصیلات عالی ترقی کند و کدام وقت دولت متوجه باین مدارس قدیمه شده و قدم مساعدتی برای اصلاح آنها برداشته است و کدام وقت يك تشویقاتی از مصلحت آن مدارس کرده است و کدام انتخاباتی را از آن تحصیلاتی که در آنجا می شود بعمل آورده است که تحصیلات دینی قدری ترقی کند و اقلا يك حده معدودی برای حفظ دیانت اسلامی تربیت بشوند این است گمان این مدارس را مظلوم می دانم و بر ما

نمایندگان واجب است که يك توجه مخصوصی نسبت بآن مدارس قدیمه بکنیم و برای اینکه آنها از این حال فلاکت بیرون بیایند لازم می دانم که مجلس با مساعدت دولت يك قدمهائی در این راه بردارد و يك کهك هائی بآنها بکند و يك پروگرامی هم برای آنها بنویسد و ماه بماه آن طلبه هائی که در آنجا هستند امتحان بکند آنوقت ببینند که در ظرف مدت قلیلی چه تحصیلاتی در آنجا می شود تمام این تحصیلاتی که امروز هست در پروگرام مدارس قدیمه هم بوده است بلکه فردا که کمش در آن مدارس تحصیل می شد و دوره آن تحصیلات هم پنج شش سال نبوده حالا يك شاگرد مدرسه که دوره تحصیلاتش پنج شش سال است می آید و تقاضای بعضی چیزها از دولت می کند ولی طلاب بیچاره مدارس قدیمه که ۱۵ سال بیست سال سی سال خون جگر می خوردند و تحصیل می کردند تا دوره تحصیلات خود را تمام می نمودند هیچ چیز هم از دولت نمی خواستند البته امروز هم دولت باید يك مساعدتهائی به این مدارس بکند و این عبارتی که در این ماده نوشته شده است خیلی خوب است که يك هیئت مشاوره از اشخاصی که نوشته شده است برای رسیدگی بامور آنها تشکیل شود مثلا از علماء طراز اول سه نفر این خیلی خوب است ولی بنده این ماده را برای پیشرفت مقصودی که در نظر دارم کافی نمی دانم باید يك قدمهائی بلند تری برداشت بنده متقدم که مجلس شورای ملی باید همانطوری که برای مدارس ابتدائی و متوسطه چند صد هزار تومان تصویب می کند برای تحصیلات علوم دینی هم اقلا پنجاه هزار تومان تصویب بنمایند و آنها را تشویق بکند و آنها را سال امتحان کند ولی اینکه شاهزاده سلیمان میرزا وحشت دارند و میفرمایند این اشخاص که اینجا انتخاب می شوند باید بدانند حقوق ندارند بنده بالاتر عرض می کنم شرط گفتند آن اشخاصی هم که داخل در آن مدارس می شوند و تحصیل می کنند بهیچوقت تقاضای کاری از دولت ننمایند و فقط عالم دیانت باشند و اگر باین رویه که فعلا پیش میرویم پیش برویم تا ده دوازده سال دیگر این مدرسه سه سالار با این عظمت هم خراب و ویران خواهد شد و علوم دینی هم از بین خواهد رفت و بنده در عالم اسلامیت این سخط را خیلی بد میدانم که در دوره ما نمایندگان ملت ایران این خسارت بمال اسلام و دیانت وارد شود

رئیس -- آقایان مدرس و کازرانی و محقق العلماء و امین الشریعه و سلطان العلماء موافقت (گفتند بلو)

رئیس -- آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اولاً گمان می

کنم که يك سوء تفاهمی و یا به اصطلاح

ولی اینکه میفرمایند باین مدارس

کمک مالی نشود اگر افراق تصور فرمائید

بنده عرض میکنم که اگر اوقف مملکت

را جمع کنند شاید معادل با تمام مالیه

شوند

و اما بنده همین است و مبنای مخالفت

بنده هم برای همین است که مدارس اداره

شوند

ولی اینکه میفرمایند باین مدارس

کمک مالی نشود اگر افراق تصور فرمائید

بنده عرض میکنم که اگر اوقف مملکت

را جمع کنند شاید معادل با تمام مالیه

آقای آقا سید فاضل يك سوء تفاهمی برای آقای حاج شیخ اسدالله دست داده است زیرا آنوقتی که بنده با این ماده اظهار مخالفت کردم عرض کردم با اینکه کاملاً موافقم مخالفم و وحشت هم نکردم يك شورای علمی دیگر هم باشد بنده در تمام کارها قائل بمرکزیت هستم ولی عقیده ام این بود که يك شورای عالی معارف ممکن است بهر دو کار رسیدگی بکند و در وقت وزیر و سایر اعضاء اداره هم صرفه شده باشد نه اینکه عرض کرده باشم شورای عالی معارف برای مدارس قدیمه باشد پس استدعا میکنم این جور تسامح را از دفاع خودشان خارج کنند بنده عقیده ام این بود که در صورتیکه در جزو اعضای شورای معارف وجود يك نفر مجتهد را قید کرده اند یک نفر هم از متولیان و چند نفر از مصلحتین مدارس قدیمه هم که عالم به طبع شرایط باشند ضمیمه فرمودند و در فقره چهارم از ماده دوازده اینطور مینویسد (تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و اناث و نظامنامه های مدارس قدیمه و جدیده) و این حکمله قدیمه و جدیده را اگر بآخر آن ضمیمه مینمودند آنوقت يك شورای فوق العاده دیگری لازم نبوده و چون وزیر بر هر دو ریاست دارد دیگر وقت او هم زیاد تلف نمیشود که گاهی در این شورا و گاهی در آن شورا باشد و میتواند دولت بهر دو رسیدگی نماید يك اشکال دیگر بنده هم بود که چون قانون برای اینجا نوشته میشود و لفظ مرکز را در آن ذکر نکرده اند این لفظ هم اضافه شود يك مسئله دیگر هم این بود که فرمودند طلاب را میتوانیم ملتزم کنیم که حقوق بگیرند بنده با این مسئله هم مخالفم زیرا زحمت اشخاص اجرت لازم دارد و نمیشود يك مسلمان را الزام کرد که مادام العمر اجرت نگیرد و کار کند پس این اشخاصی که زحمت کشیده اند و تحصیل کرده اند از چه راه باید امر را مماش کنند البته کار هائی که برخلاف انصاف باشد نمیتواند بکند و نباید هم بکند پس از يك راه مشروعی باید زندگانی خود را اداره کند و راه مشروع آن فقط زحمت کشیدن و اجرت گرفتن است پس با این مسئله هم مخالفم اما اینکه فرمودند باید مدارس قدیمه هم اداره شود البته منتهی آرزو و آمال بنده همین است و مبنای مخالفت بنده هم برای همین است که مدارس اداره

شوند

ولی اینکه میفرمایند باین مدارس

کمک مالی نشود اگر افراق تصور فرمائید

بنده عرض میکنم که اگر اوقف مملکت

را جمع کنند شاید معادل با تمام مالیه

شوند

و اما بنده همین است و مبنای مخالفت

بنده هم برای همین است که مدارس اداره

شوند

ولی اینکه میفرمایند باین مدارس

کمک مالی نشود اگر افراق تصور فرمائید

بنده عرض میکنم که اگر اوقف مملکت

را جمع کنند شاید معادل با تمام مالیه

شوند

و اما بنده همین است و مبنای مخالفت

بنده هم برای همین است که مدارس اداره

مملکت بشود این اوقاف برای کدام مدارس است ؟

برای همین مدارس قدیمه است حالا هایدی این اوقاف بکجا میروند بنده چه عرض کنم آیا بمصرف مدارس که برای آنها وقف شده است میرسد ؟ آیا بمصرف حقیقی خودش میرسد ؟ با کمال جرئت عرض میکنم خیر همانطور که فرمودند اگر قسری بلندتر حرف بزیم صدای ما بهین مدرسه سه ساله میرسد اگر وقف نامه آنرا بخوانید و بآن ترتیب که در وقف نامه نوشته شده است اگر عمل شود یکی از بهترین مدارس دنیا می شود این مسئله چندان اهمیتی ندارد این مدرسه ای است که بیخ گوشمان است و هر روز صدای زنگ ساعت و اذان آنرا می شنویم تحقیق کنید ببینید چه نهی اداره میشود مخالفت بنده از این نقطه نظر است که می بینیم یک نفر مالیه خود را وقف یکی از مدارس قدیمه می کند وقف نامه می نویسد که این مالیه من بچه نحو در آن مدرسه مصرف شود و بهیچوجه مطابق میل آن واقف رفتار نمی شود و از میان می رود فرمودند که مدارس قدیمه خراب شده است مناسب است که یک شمر در جواب ایشان عرض کنم همه از دست غیر می نماند

صدای از دست خویشتن فریاد بلی راست است خراب شده ولی کی آنها را خراب کرده و رو بخرابی می برد همان اشخاصی که موقوفات را می گیرند و به مصارف حقیقی خودش نمیرسانند موقعیکه آقای نصیرالدوله وزیر معارف بودند این اشخاص را جمع کرده و گفتند بیائید و بنشینیم اوقاف را جمع آوری کرده و این مدارس را اداره کنیم حاضر نشدند این اشخاص مدارس را خراب کرده و میکنند البته اگر اوقاف جمع آوری شده و صرف این مدارس می شود هر قدر کسر بودجه داشته باشند اول کسی که رأی بدهد که بآنها کمک مالی بشود بنده خواهم بود اما تا این ترتیب پیش نیامده یعنی اوقاف از چنگال این قبیل اشخاص بیرون نیاید بنده هرگز رأی نخواهم داد که حتی ده دینار هم از مالیه این مملکت صرف این کار شود و مثل سایر اوقاف حیث و میل شود البته آقایان در تاریخ دیده اند صفویه که آنقدر مملکت را ترقی دادند برای همین بود که در معارف کوشیدند و برای همان آقایانی که در آن مدارس قدیمه درس میخواندند ترتیب امتحان معین کردند و بهمین جهت هم خیلی از علماء و اهل علم از آنجا بیرون آمدند ولی حالا خودتان میفرمائید بیست سال سی سال یک نفر طلبه در مدرسه درس می خواند کدام وقت کی باو گفت بیا امتحان بده تا معلوم شو که در این بیست سی سال که مال وقف را خورده

چه تحصیل کرده این است که چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات دو چیز از همه خرابتر است .

یکی مدارس قدیمه است و یکی مساجد و معابد اینهم نیست مگر برای اینکه آن اشخاصی که عایدات موقوفات را می گیرند بمصرف حقیقی خودش نمیرسانند البته اگر نظارتی در کار بود هر وقت ثابت میشد که کسی مال وقف را خورده و اجحاف کرده است او را مجازات میکردند مدارس باین اندازه خراب نمیشد و اگر باین ترتیب امروزه پیش برویم ده بیست سال دیگر اسمی هم از این مدارس باقی نخواهد بود .

بنده مخالفتم با آن اشخاصی است که برخلاف وظیفه عمل می کنند و الا بطور میشود که من با معارف مخالفت کنم بنابر این بنده باز هم تکرار می کنم همانطور که ما باید مواظبت بکنیم که مالیاتی که از رعایا گرفته می شود بمصرف حقیقی خودش یعنی امنیت و حفظ استقلال و ترقی مملکت برسد نه بمصارف شهریه اشخاص صاحب پارک و کالسه و غیره همانطور هم وجداناً و شرعاً مکلف هستیم که سعی کنیم و عایدات اوقاف را بمصارف حقیقی خود برسانیم .

بنده منتظر بوده و هستم که آقای مدرس و سایر آقایان اهل علم این مطلب را مفصلتر از این بیان فرمایند برای اینکه ایشان احق و اولی هستند و یک قسمت از این مطلب هم امر بمعروف و نهی از منکر است و بایستی رود بایستی و ملاحظه از بین برود فقط ملاحظه است که این مملکت را خراب کرده است ملاحظه است که معاموم نیست این متولیان بچه ترتیب انتخاب میشوند ملاحظه است که هر روز از طلاب بدبخت عریضه میرسد که این وجهی که اوقاف برای ما معین کرده است بما میدهند و صدای کسی هم در نمی آید .

البته باید این ملاحظات از بین برداشته شود و مال هر کسی بدست خودش برسد آن بدبخت بیچاره که امروز از این عالم رفته و آخرین آرزوی این بوده است که دارائی از در این راه خیر مصرف شود باید مطابق میل و آرزوی او رفتار کنند این است که اگر بخواهیم این مدارس آباد شود و تحصیل طلبه هم ترقی کند باید پرده معافه کاری را درید و معلوم کرد برای چه مال اوقاف از بین می رود و باید گفت چرا صورت حساب اوقاف هر سال چاپ نمیشود و این تا کرد طلبه بدبخت که سالها زحمت کشیده و تحصیل کرده چرا امتحان نمیشود ؟ و پس از امتحان اگر معلوم شد که مدتی این طلبه مال وقف را بیهوده خورده و تحصیل نکرده چرا عذرش را نمیخواهند که از مدرسه بیرون

برود ؟ باین واسطه بنده عرض کردم با این ماده مخالفتم زیرا اگر این ماده از اینجا برداشته میشد و به آن طریق که بنده عرض کردم در ماده دوم که اعضای شورای عالی معارف را معین کرده است در آخر آن سه نفر از مجتهدین درجه اول و دو نفر هم از مدرسین درجه اول و دو نفر هم از متولیان درجه اول مدارس قدیمه اضافه شود که با هم مشارکت کنند آنوقت بعقیده بنده بکارها بهتر رسیدگی میشود البته مدارس قدیمه است که باید برای مدارس جدید معلم تهیه کند ولی در صورتیکه اصولش را منظم کنیم و مطابق وقف نامه اداره شود حالا که ما معتقدیم مدارس شبانه روزی باید تأسیس کرده و وسائل تحصیل اجباری را فراهم کنیم البته میتوانیم این مدارس قدیمه را دارالعلمین قرار بدهیم که برای مامعلم ابتدائی و عربی بالاخره مجتهد تهیه کند تصور میکنم دیگر لازم نباشد بیش از این از اوضاع اسفناک مدارس قدیمه و غارتگری اموال وقف عرض کنم بهرحال اگر پنجاه میلیون هم بر کمک مالی آن مدارس بیفزائیم همانطور که تا کنون از بین رفته حالاهم از بین می رود چرا باید سی سال چهل سال بلکه مادام العمر دوره تحصیلات این مدارس باشد ؟ اگر امتحانی در بین بود بین آن کسی که زحمت کشیده و تحصیل کرده و آن کسی که تنبلی کرده فرق میدادند و موقوفات را بطور صحیح جمع آوری نموده و مطابق وقف نامه ها عمل میشد منتهی دوازده سال دوره تحصیلات این مدارس طول میکشد بعقیده بنده چون این موضوع موضوع مهمی است اگر مذاکره در آن چند مرتبه تکرار شود ضرر نخواهد داشت اگر ما بخواهیم مدارس قدیمه درست و مرتب بشود باید در اوقاف نظارت کرده و حتماً از متولیان صورت مخارج اوقاف را بخواهیم اگر یک مخارج زیادی شده است باید رد کنیم و اگر یکی از متولیان مال وقف را حیث و میل کرده او را معزول و مجازات کنیم تا یغماگران دیگر در اوقاف مملکت دست تجاوز دراز نکنند بعقیده بنده این یگانه راه و وسیله مرتب کردن مدارس قدیمه است و تا اشخاصی که مال مملکت را حیث و میل میکنند مجازات نشوند روح مملکت اصلاح نخواهد شد

تدین (مخبر) - بنده بر حسب وظیفه مخبری که دارم باید نظریات کمیسیون معارف را در خصوص این ماده بمرض آقایان برسانم قبل از اینکه داخل در بیان نظریات کمیسیون بشوم میخواهم عرض کنم که مدارس قدیمه باندازه اهمیت دارند که محتاج باثبات نیست ولی چند جهت را لازم است عرض کنم

اولا اهمیت مدارس قدیمه از نقطه نظر تعلیمات دینی است زیرا بگانه معالی

که علمای دینی و مذهبی را تربیت کنند همین مدارس قدیمه است فرق بین مدارس قدیمه و جدیده از نقطه نظر علمی این است که در مدارس قدیمه بیشتر اهمیت به علوم دینی و مذهبی و فلسفه قدیم داده می شود ولی در مدارس جدیده بیشتر اهمیت به معارف مملکتی و صناعتی و فلاحی داده میشود اگر چه در مدارس جدیده هم شرعیات بقدر لزوم تدریس می شود ولی جنبه علوم غیر دینی در آنها بیشتر است

دوم جهتی که اهمیت مدارس قدیمه را ثابت می کند این است که در معارف دنیای امروز پس از تجربیات بی شمار معلوم شده است که مدارس شبانه روزی بدرجات از مدارس روزانه انفع است و از هر حیث و وسائل پیشرفت تحصیلات و تربیت اخلاقی در مدارس شبانه روزی فراهم تر است ولی در مدارس شبانه روزی امتیازی را دارا هستند که در سایر ممالک دنیا آن امتیاز نیست و آن امتیاز اینست مدارس شبانه روزی که امروز در ممالک متدنه تأسیس و دائر شده است بطور قدرت اتفاق می افتد که مجانی باشد در آن مدارس باید شاگرد مبالغی برای خرج تحصیل و سایر لوازمش بدهد چنانکه در خود تهران هم یک شعبه شبانه روزی در یکی از مدارس خارجه هست که ایرانی ها در آنجا داخل می شوند و در ماهی ۳۰ تومان بلکه زیادتر باید پول بدهند ولی این مدارس قدیمه که در ایران تأسیس شده است علاوه بر اینکه شبانه روزی است و تحصیلات در آن مجانی است محصل هم که وارد می شود مکاشف ظروفش فرشش خادمش و بالاخره کتابش هم مجانی است پس باید قدر این مدارس را بدانیم برای این که دیگران بعد از قرون متدیه که فهمیده اند مدرسه شبانه روزی انفع از مدارس روزانه است معذرت منوز موفق نشده اند که آن مدارس را مجانی کنند ولی در اینجا علاوه بر اینکه مدارس قدیمه مجانی است یک چیزی هم دستی به محصلین می دهند حالاً راه نگاهداری این مدارس چیست ؟ ماده سیزدهم قانون اساسی معارف که از مجلس هم گذشته است می گوید مدارس که از اموال اوقاف دائر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحی و ترتیب تعلیمات و امتحانات و نمره ها تا اندازه ای که با عرض واقف موافقت کند در تحت نظارت وزارت معارف است نظر بآجرای این ماده و اهمیت مدارس قدیمه هم بنده و هم سایر آقایان اعضاء کمیسیون معارف تصدیق کردید که چنانچه اهتمام نسبت بآن نشود و طرف توجه واقع نشوند می توانم بگویم که ده یا نوزده سال بیشتر نخواهد گذشت که همین چند مدرسه مهم هم حاکم امروز دائر است از بین خواهد رفت نظیر مدارس دیگری که ملاحظه می فرمائید در

سابق دایر بوده و حالا بکلی خراب شده است پس بجهت اجرای ماده سیزدهم و اهمیت مدارس قدیمه کمیسیون با موافقت وزیر معارف و اوقاف تصدیق کرد که یک شورای مخصوص هم برای این کار تشکیل شود و بعقیده بنده فلسفه دیگری هم دارد و آن اینست که با در نظر گرفتن اهمیت مدارس قدیمه کمیسیون تصویب کرد که یک شورائی برای آنها تأسیس شود و مطلب از دو صورت خارج نیست یا اینست که این شورای به انجام وظیفه موفق خواهد شد یا نخواهد شد اگر موفق شد عین همین مقصود است اگر موفق نشد تبدیل می شود بیک شورای دیگر در نتیجه وقتی که دولت مایوس شد خودش مستقیماً در آنها نظارت خواهد کرد بنابراین بنده تصور می کنم این مدارس با این موقوفاتی که دارد در صورتیکه موقوفاتش موافق عرض واقف بمصرف برسد هیچ محتاج بکمک دولت نباشد و در ضمن بیاناتی که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مخالفت اساسی نداشتند ایشان و بنده و همه آقایان تالم و شکایت داریم از خرابی آنها و کمیسیون هم برای جلوگیری از خرابی شورای مخصوص برای مدارس قدیمه تصویب کرد و نیز حضرت والا در ضمن مذاکراتشان مراجعه فرمودند باین مدرسه سیهسالار بنده در موقع کابینه قوام السلطنه وقتی که در اینجا مذاکره بود نسبت باین مدرسه و سایر مدارس قدیمه اظهار عقیده کردم عقیده بنده این است که این مدرسه سیهسالار ممکن است یکی از مدارس عالی نظیر جامع ازهر شود اما مشروط بر اینکه اداره شود همین موقوفات حالیه هم برای آن تاحدی کافی خواهد بود ولی در اینجا لازم میدانم یک تذکری هم به آقایان بدهم در قانون اداری وزارت معارف در ماده شش که وظایف اداره اوقاف را ذکر می کند در جزء هم آن می نویسد اداره کردن موقوفاتی که توایب آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان هسریادولت است

اگرچه از این جزء معلوم می شود که مدارس هم که توایب آنها با سلطان است وزارت معارف می تواند در آنها دخالت کند و آنها را در تحت نظر بگیرد و اداره کند ولی متأسفانه این جزء منسوخ شده است بموجب ماده ۱۲ ضمیمه همین قانون وزیر معارف نمی تواند مستقیماً دخالت کند پس عقیده بنده این است که مجلس باید قبلاً یک راهی برای اینکار پیدا کند تا وزارت معارف بتواند آن مدارس را در تحت نظر بیاورد و با کمک شورای عالی معارف اداره کند و تا زمانی که این ماده ملغی است ممکن نیست این مدارس اداره شود چون در ماده ۱۲ می گوید اداره

کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که توایب آنها مستقیماً راجع بسطان عصر است با اجازه سلطان عصر خواهد بود و همین جهت است که متولی برای آستان مقدس رضوی و این مدرسه سیهسالار از طرف شخص شاه معین میشود و دولت نمی تواند متولی معین کند پس ما قبلاً باید این اشکال را مرتفع سازیم و بعد این مدارس را اداره کنیم تصور می کنم بعد از این مطالبی که عرض کردم و نظریات کمیسیون معارف را بعرض رساندم دیگر جای مخالفتی باقی نباشد و امیدوارم در آتی هم کوشش کنیم که این شورای معارف باید پنج وقت تشکیل بشود و با موافقت وزیر معارف شروع بانجام وظیفه کند که انجام در تنظیم مدارس قدیم و سعی در ترویج علوم دینی باشد

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده در این موضوع هیچ اختلافی از هیچکس نمی بینم مدارس قدیمه که قبلاً در این مملکت دایر شده است قریب صد مدرسه میشود و می توان گفت که تقریباً سالی یک کرور عایدی موقوفات این مدارس است و هر ایرانی چه از نقطه نظر دیانت و چه از نقطه نظر مملکت و معارف خواهی حتماً علاقه مند است که این مدارس منظم و دائر باشد آقای مخبر انصافاً آنچه فلسفه مسئله بود بطور وضوح بیان فرمودند و اینکه فرمودند بجهت بحال تفوق مدارس قدیمه بر جدیدی از نقطه نظر دیانت است صحیح است ولیکن باقی علوم هم که مرسوم است همه در این مدارس خوانده میشود و الان هم اغلب علوم از قبیل هندسه - حساب - فلسفه - طب در این مدارس خوانده می شود بنده خودم خاطر هست در اصفهان در اغلب مدارس علم طب تحصیل می شد پس در اصل مسئله که اصلاح مدارس قدیمه باشد اختلافی نیست گفتگو در این است که فرمودند باید بامور کلیه مدارس مرکزیت داد بنده عرض میکنم مرکزیت این دونوع مدرسه بهمین طریق است که در این قانون پیش بینی شده و هر دوی آنها را در تحت نظر و مراقبت وزیر معارف قرار داده است اما اگر ملاحظه فرمایند می بینند که شورای عالی معارف بعضی وظایف دارد که این شورا نمی تواند باین قبیل کارها دخالت کند و مناسبت هم ندارد مثلاً تصدیق بصلاحیت روزنامه نویسی یا کتاب نویسی بکنند و باین واسطه بوده است که برای تنظیم ترتیب مدارس قدیمه شورای دیگری معین شده است و چون هر دو شورا را در تحت نظر یک وزیر قرار داده اند باین واسطه مرکزیت هست و اما مسئله که هست و لابد باید عرض کنم این است که وظایف

و ترتیباتی برای این شورا هست که حالا نمی شود آن وظایف را معین کرد و بایستی پس از تشکیل این شورا با موافقت نظر وزیران وظایف و ترتیبات معین شود؟

لذا عجالتاً باید بهمین ترتیب اکتفا کرد تا بعد بوظایف آنها و نظامنامه که لازم است موافق ترتیبات وقف نوشته شود ضمناً یک مسئله آقای تدین فرمودند که باید رفع این اشتباه شود و فرمودند این مدرسه را وزارت معارف نمی تواند اداره کند و مستمسک بیک ماده شدند بنده عرض میکنم پادشاه هم مثل سایر اشخاص می ماند اگر بنا شد متولی شخص بنده باشم یا آقای رئیس التجار یا شخص سلطان باشد هیچ فرق نمی کند همه در حکم یکدیگر و مثل هم هستیم نظارت در اوقاف را مجلس شورای ملی بموجب قانون بوزارت معارف داده و همه افراد میتوانند در نظارت شرکت داشته باشند و هیچ فرق نمیکند که شخص سلطان متولی باشد دیگری نظارت قانونی وزارت معارف و اوقاف نسبت بکل موقوفات علی السویه است لذا وزارت معارف و اوقاف می تواند بانظریه آن شورائی که تشکیل خواهد شد در این مدرسه و سایر مدارس بطوریکه وقفنامه معین کرده نظارت بکند و امیدوارم همه آقایان در این موضوع موافقت فرمائید چه این اولین قدمی است که انشاء الله الرحمن برای اصلاح امور دینی و توسعه معارف برداشته میشود

رئیس - مذاکرات در این مسئله کافی است (گفته شد کافی است) پیشنهادی آقای سلیمان میرزا نموده اند قرائت می شود بعد رأی می گیریم

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه چنین اصلاح شود برای اهتمام در تنظیم مدارس قدیمه و سعی در ترقی علوم دینی در تحت نظر و مراقبت وزیر معارف شورائی به ترتیب ذیل تشکیل خواهد شد از علماء درجه اول سه نفر از مدرسین درجه اول معقول و منقول دو نفر از متولیان مدارس قدیمه درجه اول دو نفر این شورای و شعب آن مطابق قانون مخصوص در مرکز ایالات و ولایات دائر خواهد گردید

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته همانطور که عرض کردم بنده با بودن دو شورا با آقایان اختلاف داشته ولی چون آقایان توضیح دادند که ممکن است پس از چندی اگر نتوانستند از عهده برآیند اختیار در دست ما است و می توانیم ترتیبی معین کنیم بنده می توانم قانع شوم این ماده باقی بماند ولی تنها اشکالی که برای بنده باقی خواهد ماند این است که باید نوشته شود این شوری و شعب آن مطابق قانون مخصوصی که وضع خواهد شد دائر خواهد شد

بنابراین بنده پیشنهاد کردم این ماده اینطور نوشته شود چون البته مرکز این شوری هم یک قانونی لازم خواهد داشت و ممکن نیست این شورا بطور اختیار مطلق هر کاری بکند

رئیس آقای مخبر در این باب چه میفرمائید؟

مخبر - این ماده چهارم دلالت بر تأسیس شورای مدارس قدیمه میکند و اگر کلمه ای که ایشان میفرمایند قید کنیم که مرکز و شعبه اش در ایالات و ولایات مطابق قانون مخصوصی دائر شود این ماده چهارم فایده نخواهد داشت زیرا محتاج باین خواهد بود که یک لایحه مخصوصی از طرف وزارت معارف پیشنهاد شود و تا آن قانون از مجلس بگذرد این شورائی می تواند تشکیل دهد ولی معیناً تصور میکنم طرفین قضیه چندان اشکالی نداشته باشند این پیشنهاد قبول بشود هر دو بعقیده بنده علی السویه است زیرا همانطور که آقای مدرس فرمودند بعد از دائر شدن این شوری باید نظامنامه صحیحی از طرف مقامات مربوطه تهیه و بمجلس تقدیم شود بنابراین در قبول کردن این پیشنهاد هم بنده اشکالی نمی بینم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بیاناتی که آقای مخبر فرمودند تقریباً مفادش این بود که پیشنهاد بنده را قبول فرمودند با اینکه این کلمه را صراحة در قانون ذکر نکرده اند معذرت توضیحی که دادند عین مقصود بنده بود البته برای اداره کردن این شوری یک نظامنامه لازم و ضرور است و باید از مجلس هم بگذرد پس بعقیده بنده قید این مطلب لازم است والا اگر لغت مرکز را ماقید نکنیم آنوقت معلوم نیست مثلاً سه نفر از مدرسین درجه اول منقول و معقول بچه ترتیب انتخاب خواهند شد چون نحو انتخاب شدن آنها هم خود یک طرز و ترتیب معینی دارد و هم چنین از متولیان درجه اول سه نفر بطور انتخاب خواهند شد بنابراین همانطور که برای شعب قانون لازم است برای مرکز هم نهایت درجه لزوم را دارد و دیگر بیش از این چیزی عرض نمی کنم زیرا مطابق بیاناتی که آقای مخبر فرمودند نظریه شان با بنده موافق است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده با این پیشنهاد آقای سلیمان میرزا مخالفم زیرا بطوریکه آقای مدرس و مخبر اظهار نمودند این نخستین قدمی است که ما برای اصلاح مدارس قدیمه بر می داریم و برای حصول باین مقصد ناچاریم علمای اهلامرا بطلبیم و ایشان را بیاوریم و بشناسیم که برای مدارس ما قانون

بنویسند و البته اینطور نیست که آنها از پیش خود قانون بنویسند بلکه موافق اصول کتاب وقف که یکی از کتب شرعی است و علمای وقت هم به آن عمل می کنند قانون انشاء خواهند نه بحال خود ما چقدر می توانیم برای عبادات قانون وضع کنیم

ما باید قانون برای امور سیاسی انشاء کنیم بنابراین شعبی که در ایالات و ولایات هستند باید قانونش را خود آنها از روی کتاب وقف استخراج کرده و بنویسند (خطاب به آقای رئیس) بلکه چه فرمودید؟

رئیس - چیزی نگفتم همچو تصور کردم که فرمودید از موضوع خارج است و حال آنکه همین موضوع است باری اگر از حالا بگیریم قانون علماء را ما باید بنویسیم موفقیت حاصل نخواهیم کرد زیرا موقوفات در دست متولیان است علماء باید نظامنامه برای این شعب ایالات و ولایات تهیه و ترتیب کنند اینک وزیر لایحه را پیشنهاد کند و آنوقت مادر اینجا داخل موضوع شویم اینک عرض کردم بایشهاد حضرت والا مخالفم برای این بود که این پیشنهاد عملی نیست بنده همیشه ایشان عرض می کنم باید مشی عملی نمود نه مشی آمال و آرزو چه اگر بخواهیم باز مشی آمال و آرزو را ادامه دهیم و بفرموده ایشان قانون را وزارت معارف بنویسند منتج به نتیجه مطلوب نشده و اگر هزاران از این لوايح از طرف وزارت معارف نوشته شود هیچك قبول نخواهد شد و عمل هم نمی شود

سليمان ميرزا - چنین نیست آقاسید یعقوب - فرض این است این نظامنامه که برای مرکز و برای ایالات و ولایات لازم است باید علماء بنویسند

رئیس - این پیشنهاد مجدداً قرائت می شود بعد در قابل توجه بودن آن رأی می گیریم

مدرس - چون سوء تفاهمی شده بنده توضیحی میخواهم عرض کنم

رئیس - بعد از رأی توضیح بفرمائید (پیشنهاد آقای سلیمان میرزا مجدداً قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده الحاقیه چنین اصلاح شود برای انجام در تنظیم مدارس قدیمه و سعی در ترقی علوم دینی در تحت نظر و مراقبت وزیر معارف شورائی بترتیب ذیل تشکیل خواهد شد

از علماء درجه اول سه نفر از مدرسین درجه اول منقول و معقول دو نفر از متولیان مدارس قدیمه درجه اول دو نفر این شوری و شعب آن مطابق قانون مخصوص در مراکز ایالات و ولایات دائر خواهد گردید .

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمائید

عده قلبی قیام نمودند

رئیس - تصویب نشد خطاب بآقای مدرس توضیح خودتان را بفرمائید

مدرس - بنده عرض کردم همانطور که اعضاء شورای عالی معارف با شرایطی که برای آنها لازم است وزیر معین میکنند قانون این شورا هم موافق شروطی که علماء می نویسند ترتیب می دهد و بعد يك نظامنامه هائی برای شعب مرکز و ولایات بانظر وزیر نوشته خواهد شد و گمان می کنم این ترتیب هیچ اشکالی نخواهد داشت

رئیس - پیشنهاد دیگری از طرف آقای محمد هاشم میرزا راجع باضافه لفظ یکنفر ادیب شده قرائت می شود بعد رأی می گیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می کنم در این شوری یکی از ادبای درجه اول عضویت داشته باشد

محمد هاشم میرزا - در موضوع شورا اول لایحه برای عضویت شورای عالی معارف بنده این پیشنهاد را کردم ولی متأسفانه کمیسیون قبول نکرد لکن چون اول مدارس قدیمه ادبیات عربی نهایت لزوم را دارد و غالب مواد علوم آن بزبان عربی تدریس میشود

لذا در این موقع مجدداً پیشنهاد سابق خود را تجدید و از آنجا که لزوم وجود يك نفر ادیب برای اصلاح علوم و ادبی در این شورا کمتر از وجود دو نفر متولی نخواهد بود بلکه مقدم هم هست این است که بنده مجدداً وجود یکنفر ادیب را در این مؤسسه لازم و حتمی میدانم و برطبق این پیشنهاد کردم

مخبر - متأسفانه بنده این دفعه هم بایشهاد حضرت والا مخالف هستم

محمد هاشم میرزا - مخالف باشید

مخبر - برای اینکه اول وظیفه این شورای اهتمام در ترویج و پیشرفت ادبیات فارسی و ادبیات عربی خواهد بود و البته با ملاحظه این وظیفه وزیر در نظر خواهد گرفت که از این دانشمندان پنجگانه یکنفر ادیب درجه اول انتخاب نماید از دو صورت خارج نیست بنده قدری مسئله را تشریح میکنم

اولا باید دانست مقصود حضرت والا ادبیات فارسی است یا ادبیات عربی اگر مقصود نشر ادبیات عربی است تصور می کنم وجود یکنفر مجتهد جامع الشرايط این نظر را کاملاً تأمین کرده و برای این مقصود کافی باشد زیرا هیچ بنظر نمی آید کسی مجتهد باشد ولی اطلاع کامل از کیفیات زبان و ادبیات عربی یعنی همان

زبانیکه از یرتو او باید دارای آن مقام عالی و واجد آن شرایط ارجمند شود نداشته باشد و اگر فرض ادبیات فارسی است وجود دو نفر از معلمین درجه اول مدارس متوسطه و پنج نفر از دانشمندان عصر باز مسئله را تأمین می کند منتهی در هر وقت در نظر خواهد گرفت از آن پنج نفر مخصوصاً يك نفر ادیب انتخاب کند چه اگر مسئله غیر از این که عرض شده باشد آنوقت شورای معارف بکلی صنفی خواهد شد و برور خواهند گفت چه جهة دارد که تنها یکنفر از ادباء اضافه شود باید یکنفر هم از متخصصین زراعت و فلاحت و یکنفر هم از متخصصین صنعت در این شورا عضو بود و داخل مسائل و امور زراعتی و صنعتی شرکت کنند مخصوصاً نباید این نکته را فراموش کرد وقتی که این راه باز و فتح باب شد آنوقت اینقدر بر رده اعضاء افزوده خواهد شد که از ده نفر به بیست و چند نفر تجاوز می کند و مسئله فرغ زائد بر اصل خواهد شد و بعلاوه بطوریکه عرض شد مقصود حضرت والا در فسخ انتخاب دو نفر از معلمین درجه اول مدارس و پنج نفر دانشمندان طراز اول بعمل خواهد آمد و تأمین خواهد شد

محمد هاشم میرزا - اجازه بفرمائید

رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - اینکه آقای مخبر راجع بشورای عالی معارف توضیح دادند بنده در موضوع این شورا که برای این مدارس قدیمه معین شده و فعلاً مطرح و محل بحث است عرض کردم و ابداً به شورای عالی معارف یا مدرسه صنعتی و فلاحتی نظری نداشتم و اینکه می فرمائید مجتهد جامع الشرايط در شورای عالی معارف هست البته مجتهد جامع الشرايط دارای معلومات منقول و معقول است ولی در همین حال ممکن است یکنفر مجتهد جامع الشرايط باشد و ادبیات فارسی را نداند بلی در مدارس قدیمه تحصیلاتی میشود که دارای حقوق و مواد مختلفه است از قبیل نحو - صرف - معانی بیان - بدیع و غیره که هر کدام دارای رشته هائی است و البته در آن مدارس نباید تحصیل منحصر به فقه و اصول باشد بلکه سایر حقوق علوم و ادبیات را هم باید تحصیل کند در این صورت چه ضرر دارد یکنفر از متخصصین این فن در این شورا انتخاب شود و بنده هر چه فکر میکنم دلیلی برای مخالفت ایشان در قبول این پیشنهاد نمی بینم

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام فرمائید

(عده قلبی قیام نمودند)

قابل توجه نشد رأی می گیریم باین مابه ترتیبی که از کمیسیون پیشنهاد شده آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد دیگری از طرف کمیسیون شده قرائت میشود

مخبر - توضیحاً لازم است عرض کنم این پیشنهاد باید قبلاً از طرف کمیسیون شده باشد و فراموش شده بود ماده دهم قانون اداری وزارت معارف را که راجع به تعیین وظائف شورای عالی معارف است برای تذکر آقایان قرائت میکنم

ماده دهم وظائف هیئت مشاوره - اول حل غوامض امور معارف دوم - تصفیه اصلاحات بین مدارس و مکاتب . سوم - رد و قبول تالیفات معینه برای مدارس و مکاتب .

چهارم - مشورت در تدارک نواقص تعلیمات و لوازم تحصیلات ثلاثه از وجوه امانه و غیره و ترجیح بعضی تدارکات به مقتضیات حال پنجم - تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدیه و امانه میرسد و وجوه موقوفات که باختیار وزارت معارف گذارده شده باشد

ششم - معاونت فکری بوزیر در هر نوع مسئله و مشکلی که بآن هیئت رجوع شود

این قانون در سنه ۱۳۲۸ از مجلس دوم گذشته و این ماده دهم با وظائف شش گانه فوق راجع به شورای عالی معارف است و بعضی ناقص بود بنابراین وظائفی که برای شورای عالی معارف است در این لایحه نوشته شده بعضی از آن مواد هم علناً در آن لایحه جدید نقل شده و برای آنکه در آتیه اشتباه نشود ممولای بایستی هر ماده از قانون را می خواهند نسخ کنند يك ماده بجای آن وضع کنند این است که بنده پیشنهاد می کنم این ماده اضافه شود که ماده دهم قانون اداری وزارت معارف از این تاریخ به بعد ملغی و منسوخ خواهد بود

مدرس - ماده دهم را یک دفعه دیگر بفرمائید

(آقای تدین مجدداً قرائت نمودند)

ماده دهم وظائف هیئت مشاوره - حل غوامض امور معارف

۲ - تصفیه اصلاحات بین مدارس و مکاتب .

۳ - رد و قبول تالیفات معینه برای مدارس و مکاتب

۴ - مشورت در تدارک نواقص تعلیمات و تحصیلات ثلاثه از وجوه امانه و غیره و ترجیح بعضی تدارکات به مقتضیات حال

۵ - تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدیه و امانه می رسد و وجوه موقوفات که باختیار وزارت معارف گذارده شده باشد

۶ - معاونت فکری بوزیر در هر نوع مسئله و مشکلی که بآن هیئت رجوع شود

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - بلی آقای مخبر در رسالت

اخیر ملتفت نکته مهمی شدند که باید در ساعت اول ملتفت آن شده باشند بنده نمیخواهم در ضمن شوراخیر بعضی نکاتی را چیم باین موضوع عرض کنم و عدم توافق این لایحه را با قوانین موضوعه خاطر نشان نمایم زیرا این لایحه با سایر قوانین موضوعه که راجع به معارف مملکت نوشته شده است مغالفت دارد متأسفانه در مملکت ما هنوز ماشین آلات و چرخهای حکومت شوروی و حکومت ملی بطوریکه شایسته است دائر و ساخته نشده است در سایر ممالک يك انجمن و مجلس موجود است که کلیه لواجیح قبل از اینکه بمجلس شورایی ملی بیاید بدو در آنجا میروند و با قوانین موضوعه مملکتی سنجیده شده و مقایسه و تطبیق میشود پس از آنکه در آنجا تطبیق شد آنوقت از آنجا بمجلس شورایی ملی پیشنهاد میشود در صورتیکه متأسفانه در مملکت ما هنوز هیچگونه مجالس و مؤسسه‌ها وجود نداشته و در نتیجه اسباب انواع سوء تفاهات در مسائل اساسی میشود چه اگر ما هم مانند سایر ممالک دارای اینگونه چرخهای دائر بودیم هم خیلی از کارها منظم تر و صحیح تر میشد و هم خیلی از بارها از دشمنان برداشته می شد باری اشیراً که بنده مطالعه میکردم و این لایحه را با آن قوانین که در دوره دوم راجع به تشکیلات وزارت معارف مجلس گذشته است مقایسه میکردم يك تباین کلی بین این دو قانون مشاهده و ملاحظه نمودم تباینی که بنظر بنده رسیده این است که این لایحه مخالف با ماده دهم قانونی است که در اوایل سنه ۱۳۲۸ توسط مرحوم صنیع الدوله که در آن تاریخ وزیر معارف وقت بودند بمجلس آمده و از مجلس هم بمجلسین معارف که آنوقت مرکب از عده که حقیقتاً میتوان آنها را متخصص شمرده ارجاع و احاله شد قانون مزبور در کمیسیون متفق شده و پس از مدتی مذاکرات بمجلس آمده و تصویب شد آن قانون مشتمل بقانون اداری معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه است که در بیست و هفتم شعبان ۱۳۲۸ از این مجلس گذشته است اگر آقایان محترم ماده دهم آن قانون را که چندان مطالعه هم لازم ندارد بخوانند ملاحظه خواهند فرمود که با این قانون که فعلاً مطرح است تفاوت و فرق کلی دارد چرا اینطور شد ؟ برای اینکه مملکت ما يك مرکز معینی ندارد که در آنجا بدو لواجیح قوانین با یکدیگر تطبیق و مقایسه شده بعد بمجلس شوروی بیاید و بمقیده بنده این تناقض ناشی از همین مسئله است اینک برای استحضار خاطر آقایان لازم است موارد اختلاف این لایحه را با آن قانون عرض کنم اولاً راجع باسم این لایحه در آنجا اسم شورایی عالی معارف هیئت شورای معارف گذارده شده بنده نمیدانم

بدون اینکه آن قانون نسخ و ملغی شود بچه حق اسم او را مبدل بشورای عالی معارف نموده اند در صورتیکه در آن قانون اسم این انجمن و مجلس هیئت شورای معارف است دیگر اینکه با اینکه تنظیم بودجه و رسیدگی بمحاسبات وزارتخانه یکی از وظائف مهمه مدیر کل بشمار میرود در اینجا آمده اند این امر را بشورای عالی معارف ارجاع کرده اند

مخبر - کجا است وحیدالملک - حالا عرض می کنم در فقره هفتم ماده سوم قانون اداری وزارت معارف مصرح است که رسیدگی بترتیب بودجه وزارت معارف و رسیدگی بمحاسبات وزارتخانه از وظائف حتمی مدیر کل است و اینجا بدون اینکه اسمی از مدیر کل برده باشد این امر را ارجاع بشورای عالی معارف نموده است این را چه طور میتوانیم با یکدیگر سنجیده و تطبیق کنیم مثلاً فقره سوم از ماده دوم آن قانون تهیه و سائل تحصیلات ابتدائی و مجانی و اجباری و تعمیم تحصیلات متوسطه و عالی را از وظایف خاص وزیر میدانند و در این لایحه که پیشنهاد شده است این مسئله را موکول بشورای عالی معارف نموده است دیگر اینکه از جمله چیزهایی که در این لایحه ذکر شده در یکی دو مورد داخل در اجرائیات وزارتخانه می شود و مسئله اجرائیات را از وظایف این شوری میدانند در صورتیکه این شوری بهیچوجه جنبه اجرائی نباید داشته باشد باز موضوعات دیگری هم هست که کاملاً متناقض و تفاوت بین این لایحه و آن قانون سابق معرز و ثابت میدارد و ممکن است بنده آن تفاوتها را پیدا کرده و به آقایان نشان دهم در این صورت مادام که قانون تشکیلات اداری وزارت معارف با این قانون تطبیق و رفع این نواقص موجوده نشود ما ابدأ نمی توانیم باین قانون رأی بدهیم بلی ما می توانیم این لایحه را قانون بشماریم که آن قانون سابق که از مجلس گذشته و فعلاً در وزارت معارف در جریان است نسخ و ملغی کنیم آنوقت می توانیم داخل این لایحه بشویم قطع نظر از این مراتب ایراد دیگری که بنده به آقای تدین دارم این است بصرف اینکه ماده دهم را از آن قانون حذف کنیم ما نمیتوانیم يك شورای عالی معارف را بدون هیچ سابقه و مقدمه داخل تشکیلات وزارت معارف کنیم زیرا که رجوع بآن قانون بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که تشکیلات اداری وزارت معارف به ۹ اداره منقسم می شود

- ۱- دائره وزارت مشتمل بر وزیر و کابینه وزیر - ۲- مدیر کل - ۳- اداره تعلیم عمومی
- ۴- اداره معارف - ۵- اداره اوقاف - ۶- دائره تعقیقات - ۷- دائره تفتیش - ۸- دائره محاسبات - ۹- هیئت شورای عالی معارف

این دوائر وزارت معارف است حالا بنده نمی دانم بچه ترتیب باین شورای عالی معارف را داخل در تشکیلات وزارتخانه میکنند بدون اینکه در قانون تشکیلات وزارت معارف اسمی از آن برده باشیم يك فلسفه دیگری هم هست که باید عرض کنم و آن اینست که در هر اداره امروزه در حکومت ملی باید سه عنصر موجود باشد و این سه عنصر همیشه از یکدیگر مجزی هستند همانطور که در مملکت سه عنصر سه قوه موجود است و عبارت از اهمیت شوری مقننه و قوه قضائیه و قوه مجریه است و اساس دولت بر روی این سه قوه استوار و مستحکم است همینطور در هر وزارت خانه یا اداره هم باید سه عنصر باشد قوه موجود باشد در عین حال از یک دیگر مجزی و تفکیک شده باشد اول عمل است که بمنزله هیئت اجرائیه است دوم هیئت مشاوره است سوم ترتیب قضاوت که باید هر کدام از یکدیگر مجزی باشند و چون در این لایحه این مسئله را در نظر نگرفته اند بدین جهت از عمل با یکدیگر تصادم حاصل کرده و امور از جریان می افتد در نتیجه اجرائش مشکل خواهد بود (وظایفی که در این لایحه برای شورایی عالی معارف معین کرده اند اغلب مربوط بوظایف هیئت شورای معارف يك وزارتخانه نیست چه اساساً شورای عالی معارف يك اداره است مثل سایر ادارات وزارت معارف و باید در تحت نظر و اوامر وزیر و در تحت ریاست او باشد همانطور که وزیر احتیاجات را معین میکند همانطور هم سایر ترتیباتش باید در تحت نظر وزیر و یا تعلیمات او باشد ولی با ترتیبی که فعلاً ذکر و قید شده این شورای عالی معارف را خارج از ترتیب و رویه خود نموده و يك اداره مافوق وزیر درست کرده است

رئیس - این مطالبی که می فرمائید راجع بکلیات است

وحیدالملک - فرض این است این ماده را بترتیبی که فعلاً پیشنهاد شده ما نمی توانیم تصویب کنیم مگر اینکه قبلاً آن قانون را لغو یا جرح و تعدیل کنیم ولی مادام که آنرا لغو نکرده ایم نمی توانیم بقانونی بودن این لایحه رأی بدهیم

مخبر - اولاً فرمودند این نکته را که بنده اخیراً ملتفت و متذکر شدم میبایست بدو ملتفت شده باشیم این گناهی نیست برای اینکه هر وقت انسان چیزی را می فهمد ممکن است تذکره دهد و پیشنهاد کند ثانیاً می فرمایند در ایران شورای دولتی یا (کمی دوتا) تصور نیست که کلیه قوانین و لواجیح بدو آنجا رفته بعد که تصحیح و یا کیزه شد بمجلس هودت نماید پس باید مادام که شورای دولتی در مملکت نیست هیچ قانونی بمجلس نیاید این حرف بنظر بنده اساسی نیست و بعلاوه همین قانون تشکیلات

وزارت معارف در سنه ۲۸ بمجلس آمده و بکمیسیون معارف که خود ایشان و جمعی دیگر عضو آن بودند ارجاع شده مگر قبلاً بشورای دولتی رفته ، آنهم مثل همین لایحه بدون اینکه بشورای دولتی ارجاع شود مستقیماً از طرف وزارت معارف بمجلس آمده و تصویب نشده است منتهی در این لایحه يك فکر عالی تری و يك دقت کامل تری شده است برای آنکه خاطر آقایان را مستحضر کنم حالا ماده دهم آن قانون را قرائت کرده و خاطر آقایان را بعبارةهایی که نوشته چلب می کنم دول حل غوامض امور این عبارت یعنی چه؟ تشخیص اینکه کدام امر غامض است یا غامض نیست کی باید بدهد و ممالک چیست و شخص آن کیست آیا وزیر است یا دیگری است ، خود این تشخیص چندین اشکال دارد خود این ماده يك ماده غامض و مبهمی بوده شورای عالی معارف وقتی باین ماده تصرف میکرد نمی دانست چه کند باین واسطه بود که در این لایحه جدید حذف شد دوم - تصفیه اختلافات بین مدارس و مکاتب ، مقصود از این اختلاف چیست الان اگر بخواهیم سؤال کنیم آنهایی که در آن کمیسیون بودند و این مسئله هم از نظر آنها گذشته است خودشان نمی توانند توضیح بدهند که مقصود از این اختلافات چیست بعلاوه نمی شود گفت اشخاصی که مقنن قانون بوده اند خودشان مجری قانون باشند قانون را باید طوری نوشت که هر وقت بدست هر مجری بیفتد دچار اشکال نشود اختلاف بین مدارس و مکاتب چیست ممکن است بنده يك طور تفسیر کنم و دیگری يك طریق دیگر ممکن است آن اختلاف از نقطه نظر مجلس باشد که این مکاتب و مدارس نزدیک بهم باشد یا ممکن است از نقطه نظر شاگرد باشد مثلاً شاگرد مکتب بمدرسه رفته باشد یا شاگرد مدرسه بمکتب و علاوه بر این اگر اختلافی بین مدارس و مکاتب واقع شد الان هم ما مبتلا هستیم آنوقت چه خواهد شد هیچ معلوم نیست ماده دیگر مشورت و تدارک و نواقص تعلیمات این عبارت یعنی چه ؟ یعنی نواقص تعلیمات را تهیه کنید بهمین جهت است که در سنه ۱۳۲۸ تا بحال تماماً نواقص تعلیمات تهیه نشده پنجم تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدیه و اعانه میرسد این همان ماده بود که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده بود و در نتیجه آقای مدرس اصلاحی پیشنهاد کردند و کمیسیون هم پذیرفت از اینها گذشته ایرادی که باسم شورای عالی معارف کردند که در آنجا نوشته است شورای معارف ما در اینجا اسم او را گذاشته ایم شورای عالی معارف آیا این خطائی است و آیا این مطلب موجب نقض قانون میشود خلاصه بعد از اینکه این اتهامات و اشکالات در این مورد مشاهده شد موجب شد که وزیر وقت يك لایحه تقدیم مجلس کند و يك وظائفی برای شورای عالی معارف

در نظر گرفته شود که واضح تر و عملی تر و تا اندازه مناسب با محیط باشد لایحه که ابتدا از طرف وزیر معارف تقدیم مجلس شده البته بنظر همه آقایان رسیده و آن لایحه رجوع شد بکمیسسیون معارف و بانظر اعضاء کمیسسیون که مطلع ترین اشخاص با موز معارفی میباشند و کاملاً مطلع از جریان آن هستند و با تجربه و آزمایشی که يك عمر در معارف گذرانده اند این مواد درست شده است و یکی از آن اشخاص بنده هستم و حاضر هستم بهزار و يك دلیل عملی بودن این قانون را ثابت کنم اینک فرمودند بودجه از وظایف مدیر کل است و در آنجا ما بشورای عالی معارف واگذار نموده ایم همچو چیزی بنده نمی بینم آنجا نوشته است (مشارکت در تهیه بودجه و مراقبت در مصارف کلبه وجوه مصوبه) اولاً بنده وقتی که میخواستم این ماده را رد کنم چندین قانون شوراهای معارف ممالک بزرگ دنیا را در نظر گرفتم و همه را دم ترجمه کردند و حاضر دارم و میتوانم خدمت آقایان ارائه بدهم یکی قانون شورای معارف فرانسه و دیگری شورای معارف انگلیس و دیگری قانون شورای معارف اتا زونی و دیگری شورای معارف عثمانی است تمام اینها را من در نظر گرفته ام و با محیط امروزه مملکت تطبیق کرده ام در تمام آنها میگوید مشارکت با وزیر وقت در تهیه بودجه حتی بعضی جاها میگوید تهیه بودجه مدارس از وظایف مختصه شوری معارف است و مادر اینجا این کار را نکرده ایم و گفتیم يك کمکی با وزیر وقت کند و در ماده بعد هم گفتیم برای اوحتمی الاجرا نیست اینک نوشته شده است مراقبت در مصارف بکنند برای این است که قضیه قوس سال گذشته که حقوق یکمشت از معلمین و مدیران بدبخت از بین رفت و هنوز هم معلوم نیست کجا رفته است پیدا نشود ما میخواهیم شورای عالی معارف را که رئیسش وزیر است در مصارف شرکت بدهیم که بعد از این بودجه مصارف مصون از هرگزند تقریباً باشد بنده میدانم که بودجه وزارت معارف امروزه با اصطلاح امروزه برای اصل کلاه کلاه است يك پولی که برای معارف میرسد خرج ریاضخانه میشود پولی که برای مدارس میرسد خرج معارف میشود برای ریاضخانه میرسد خرج مدارس می کنند آنوقت داستان یوج قوس و امثال آن واقع میشود و معلمی کز حتمت میکشد حقوق يك بر جش از بین میرود این برای چه بوده است ؟ برای اینست که در تحت مراقبت نبوده است این است که بعد از این شورای عالی معارف را دخالت در این کار داده تا نیا میفرمایند کار قوه اجرائیه بشورای عالی معارف واگذار شده بنده هیچ جای این قانون لفظ اجرا نمی بینم در کجا

لفظ اجرا دارد آیا سعی در ترویج زبان و ادبیات فارسی اجرا است یا سعی در تهیه موجبات تحصیل اجراء است و یا سعی در تهیه وسایل ایجاد مدارس صنعتی و دستور دارالمعلمین یا چه و چه اجراء است کدام يك از اینها اجراء است از آنها صرف نظر میکنم و میروم سر مقصود وحید الملک تا آخر بفرمایند مخبر - تا آخر شراسمی خوانم و تمام را حفظ هستیم یکی دیگر تصویب اعطای نشان علمی مگر کمیسسیون خودش مبادی آدم پیدا میکند و نشان باو میدهد خیر تمام مطابق نظامنامه های مخصوصی است چون بیشتر از این نمی توانم وقت آقایان را مزاحم بشوم عرض میکنم چون آن قانون قانون عادی است و قانون عادی راهمه وقت می شود لغو کرد بملاوه چون ناقص و مبهم بود و هزار عیب شرعی داشت این لایحه را تقدیم مجلس نمودند بنا بر این هیچ مانعی نخواهد بود هیچ دلیلی هم ندارد که این ماده تصویب نشود و پاسخ ضدیتی هم با قانون تشکیلات معارف نخواهد داشت برای اینکه ماده ده م قانون تشکیلات راجع بشورای عالی معارف بوده است عرض ماده ده م این لایحه که دارای چهار ماده است قائم مقام او میشود و اینکه می فرمایند این از تشکیلات وزارت معارف خارج است هیچ نمی فهمم بچه نخواست تشکیلات وزارت معارف خارج است برای اینکه شورای عالی معارف در مرکز در وزارت معارف تشکیل میشود وزیر هم رئیس رسمی این شورا است بنا بر این یکی از شب وزارت معارف خواهد بود آنچه بنده فهمیده ام اما میخواستند در ضمن مخالفت با این ماده داخل در کلیات بشوند و بعبقده بنده این ماده را که پیشنهاد کرده ام یکی از مواد اساسی است و حتماً باید اشعار شود باینکه آن مواد سابق که راجع بوظایف شورای معارف است فسخ شده است باینجهت هیچ اشکالی برای تصویب این ماده نمی بینم وحید الملک بنده توضیحاتی دارم رئیس - فرمایند چنانچه عالی راجع به کلیات است دوسه دقیقه دیگر شروع بشود در کلیات خواهد شد اگر فرمایشی داشته باشید خواهید فرمود رای میگیریم آقایانی که ماده ۵ را تصویب میکنند قیام فرمایند اغلب نمایندگان قیام نمودند رئیس - تصویب شد شور در مواد تمام شد مذاکرات در کلیات است آقای سلیمان میرزا اجازه سلیمان میرزا بنده يك ماده که مفادش این بود که عضویت شورای عالی معارف مجانی است پیشنهاد کرده بودم مطرح نشد

رئیس - پیشنهاد آقای سلیمان میرزا قرائت می شود در صورتی که تصویب شود ماده پانزدهم می شود ماده که حالا رای دادند ماده شانزدهم خواهد بود پیشنهاد آقای سلیمان میرزا بمضمون ذیل قرائت شد بنده ماده ذیل را پیشنهاد می نمایم که ضمیمه ماده العاقیه گردد عضویت شورای فوق الذکر بدون حقوق خواهد بود رئیس آقای آقا سید یعقوب اجازه آقا سید یعقوب - بنده با ذکر این مسئله مخالفم و دلیلش هم این است که چون این مطلب راجع بمعارف و برای ترقی دادن مدارس قدیمه است در سابق هم يك شب بنده عرض کردم که علمای اینطور کارها را برای خدا می کنند و ذکر این لفظ فائده ندارد تکلیف شرعی آنها این است که بنشینند در شورای عالی معارف و اصلاح امور معارف را نموده مدارس را ترقی بدهند و تکلیف شرعی آنها حقوق ندارد چطور ما می توانیم بگوئیم تکلیف شرعی تو باید مجانی باشد در واقع اگر بخواهیم در این موضوع قدمی برای تشویق آنها برداریم این عبارت هیچ مناسبت با عضویت آنها در شورای عالی معارف ندارد رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمان میرزا - البته همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند در اغلب چیزها بنده با ایشان مخالفم و ایشان هم در اغلب چیزها با بنده مخالف و ایشان با دعای خودشان عملی هستند و بنده نظری ولی شاید مسئله غیر از این باشد در حال این ماده که بنده پیشنهاد کردم هیچ مرام و آرزو نیست چنانکه اعضاء شورای عالی معارف مستقل هستند وجداناً از راه وطن پرستی و ایران خواهی برای مصارف مملکت خودشان کار بکنند و این خودش بزرگترین مقام عالی است در این صورت هر کس که حاضر می شود این مقام را دارا شود اگر ما رای بدهیم که این شغل مجانی است به آنها بر نمی خورد البته از برای وطن خودشان کاری کنند و اگر هم لازم باشد هر چه دارند روی آن میکنند در صورتیکه خود شما هم می فرمائید وظیفه مذهبی ایشان هم این است در این صورت چرا نباید قید شود بنده تصور می کنم اگر این ماده بگذرد و این پیشنهاد بنده قبول بشود مفهوم مغالفتش این است که مجانی نیست و فردا يك بودجه هم برای این مسئله بمجلس خواهد آمد که مارای بدهیم آنروز عرض کردم مقام علم بالاتر از این ها است که در تحت قیمت و تمهین بیاید

و می توان در مقابلش یکوجهی داد و همان طور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند محض رضای خدا اینکار را می کند حالا که محض رضای خداست و مقصودی ندارند این لفظ مجانی را هم محض رضای خدا قبول کنند نوشته شود چون مقصودی ندارند البته به آنها بر نمی خورد مذهب اسلام هم برای اشخاصی که تعلیم مطالب فقهیه را می نمایند اجرتی معین نکرده و مجانی است چرا از آنجا به آنها بر نمی خورد چون باید قانون واضح باشد و این تریبی که نوشته شده است مبهم است علی الخصوص وقتی که این پیشنهاد بنده قابل توجه نشود و در تفسیر دوچار اشکال خواهد شد بنابراین بنده با این فقره حالی که داریم بهتر میدانم این مطلب قید شود مخبر - بنده برای حفظ مقام روحانیت و عالم علم این پیشنهاد را قبول می انم که بیس از این در این زمینه مذاکره نشود رئیس - آقای سید الملک (اجازه) سید الملک - عرضی ندارم رئیس - رای می گیریم باین پیشنهاد که ماده پانزدهم می شود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند غالباً قیام نمودند رئیس - تصویب شد - مجلس موافق است چند دقیقه تنفس داده شود در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس خارج و بعد از نیم ساعت مجدداً مجلس تشکیل گردید رئیس - بعضی از آقایان تقاضا کردند شور در لایحه العاق آب کازون بزیاننده رود مقدم بر لایحه شورای عالی معارف باشد در این باب آقایان چه می فرمایند (اظهار مخالفتی نشد) رئیس - آقای هماد السلطنه موافقتی ؟ هماد السلطنه - طباطبائی بلی رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه) اقبال السلطان - متأسفانه بنده در این موضوع که مسئله العاق آب کارون بزیاننده رود باشد نمی توانم اظهار عقیده کنم برای اینکه راپورتی از کمیسسیون بمجلس تقدیم شده بنظر قدری گنگ می آید و معلوم نیست از طرف وزیر فوائدها مههندسینی بمجلس فرستاده شده بر آورد کرده اطمینان حاصل کرده اند که ممکن است این دورود بیکدیگر ملحق گردد یا خیر ؟ بملاوه بر آورد مخارج العاق این دو رودخانه بطور تحقیق معلوم نیست فقط از طرف آقایان اصفهانی اظهار شده که برای

الحاق این دو رودخانه سیصد هزار تومان مخارج لازم است و معلوم نیست بهمین خرج ممکن است از عهده برآیند یا خیر؟ و اگر محتاج بخرج دیگری باشد آن زیادی خرج بعهدہ کی خواهد بود و از طرف دیگر معلوم نیست اگر اقدام کردند و باز هم مثل سابق نتوانستند آب را ملحق کنند این خسارت بکی متوجه میشود آیا دولت باید از عهده برآید یا اهالی اصفهان و دیگر آنکه آقای مغیر در جلسه قبل در ضمن بیانات خودشان فرمودند این آب مال دولت خواهد بود اگر اینطور است چرا نباید در لایحه ذکر شود.

بنابر این عقیده بنده این بود که آقای وزیر فوائد عامه اقدامات اولیه را بعمل بیاورند وقتی نتیجه حاصل میشود و کاملاً مخارج را برآورد مینمودند قرارداد با ملاکین می بستند و بمجلس پیشنهاد میکردند آنوقت ما از روی بصیرت می توانستیم اظهار عقیده کنیم ولی حالا نمی دانم اولاً ممکن است این رودخانه با آن رودخانه ملحق گردد یا خیر؟ و ثانیاً اگر خرجش از این سیصد هزار تومان بیشتر باشد بعهدہ کی است؟

علیهذا اگر آقایان نمایندگان موافقت کنند این پیشنهاد مسترد شود بکمیسیون و بعد از آنکه تحقیقات لازم کردند یک پیشنهاد مفصلتری بمجلس تقدیم کنند و از قراریکه شنیده ام موقع اقدام باین کار در اواخر جوزا و اوایل سرطان خواهد بود و مدت هم باقی است.

پس بهتر این است که این پیشنهاد مسترد شود پس از آنکه پیشنهاد مفصل آن بمجلس رسید و از مجلس گذشت آنوقت اقدام در این کار بکنند.

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه طباطبائی - نظر باینکه فرمایشات شاهزاده اقبال السلطانرا در جلسه قبل آقای حاج شیخ اسدالله فرموده بودند بنده یک را یادداشت کرده ام و جواب عرض میکنم.

اولاً راجع بمهندسین فرمودند که آیا مهندس تاکنون بآنجا رفته یا نرفته است؟ همانطور که در جلسه گذشته آقای حاج امین التجار اظهار فرمودند در چند سال قبل دونفر مهندس روسی که از هر جهت نهایت تخصص را داشتند در اصفهان بودند بر حسب خواهش اهالی اصفهان و آقای صارم الدوله که خودشان هم در این امر ذی نفع بودند مهندسین را بمحل فرستادند در موقعی که برگشته بودند فوق العاده اظهار تعجب میکردند که چطور یک منبع باین مهمی را دولت تاکنون بیطاعت و بدون مصرف گذاشته اما راجع بمخارجش اظهار کردند که اگر در اروپا بود مخارجش خیلی کمتر میشد چون وسائش فراهم تر

است ولی در اینجا تخمیناً سیصد هزار تومان خرج دارد و نیز در دو سال قبل هم میرزا حسینخان مهندس که فعلاً هم در وزارت فوائد عامه مستخدم و رئیس راه شوسه عراق و قم است بمحل رفته و همان اظهارات مهندسین روسی را تصدیق نموده اند و البته معلوم است بعد از آنکه این پیشنهاد بمجلس گذشت هیچکس اظهار نمیکند بدون اطلاع مهندسین و متخصصین اقدام کنند تمام این مطالب که در دست دولت است اهالی وقت پول میدهند بنمایند دولت میدهند البته تکلیف وزارت فوائد عامه این است یک نفر دونفر متخصص بفرستند پس از مطالعات بهر طریق صلاح است اقدام نمایند اما اینکه می فرمایند اگر چیزی علاوه شد چه باید کرد اولاً تصور میکنم همین مبلغی که تعیین شده کافی باشد و نرسد هم اگر زیادتر شد ممکن است از حالا آقایان پیشنهاد کنند که اگر زیادتر شد فلانطور رفتار کنند و اما اینکه شاهزاده اقبال السلطان فرمودند اگر کمتر نشود چه میشود اینمطلب معلوم است که دو قسمت دولت کمتر میدهد و قسمت ملاکین کمتر میدهند

دیگر آنکه آقای رئیس التجار فرمودند اگر خرج شد و آب در نیامد چه میشود اولاً این فرض معالی است و ثانیاً فرضاً که آب ملحق نشد اگر مراجعه برابورت نمائید اینمطلب مکشوف میشود.

زیرا در اینجا مینویسد پس از آنکه آب جاری شد تا ۱۰ سال از مالیات کسر گذارند معیناً ممکن است این عبارت اضافه شود که اگر خرج شد و آب نیامد بعهدہ اهالی باشد و اما اینکه فرمودند این رودخانه کارون است یا کرنگ است اولاً این مسئله جغرافیائی است و مربوط باین مسئله نیست رئیس التجار - بنده این طور نگفتم.

عماد السلطنه بنده که اینطور یادداشت کرده ام و اینکه سؤال کردند در چه تاریخی کار کرده از آنچه در تواریخ نوشته شده مثل کتاب مرآت البلدان و تاریخ عالم اراه تألیف کادریسر سیاح فرانسوی

اولاً در اینجا شاه طهماسب کار کرده و بعد از آن موقع آنچه در تواریخ نوشته شده مینویسد چونکه از زیر کار می کردند با اصطلاح امروز مثل (تونل) می کنند با آنکه خیلی مواظب بودند بواسطه بخره گوگرد عملجات می مردند و باین علت نتوانسته اند این کار را با تمام رسانند

بعد شاه عباس بزرگ اقدام کرده و نظر ببلوهمتی که داشته است می خواسته است از بالا کره را سوراخ بکنند اهالی اصفهان هم نمی خواستند بقیه همین کار شاه عباس مرحوم را انجام بدهند و الا اگر این مقدمات بعمل نیامده بود مخارجش

خیلی بیش از اینها میشد یکی این که فرمودند بین رود کارون و زاینده رود اراضی لم یزرع هست یا خیر؟ جواب عرض می کنم خیر؛ زمین لم یزرعی نیست اما مطلب غریب و عجیبی که همه آقایان می فرمایند این است که پس از آنکه این آب جاری شد چرا دولت دوست هزار تومان آن را پس بدهد و اهالی از مالیات کسر بکنند این یک اعتراض غریبی است

اولاً وظیفه دولت است که این کار را بکنند اگر دوست هزار تومان برای آسایش اهالی اصفهان بدهد هیچ کار مهمی نکرده است پس خوب است همه روزه این اعتراض را بکنند برای اینکه الان دولت همه روزه مبالغی خسارت اوزاق تهران را می دهد مگر از تأسیس عدلیه و امنیه و نظمی و غالب وزارتخانه های طویل و عریض علاوه بر آسایش عمومی مقصود دیگری هم هست مگر اصفهانی با تهرانی با هم فرق دارند؟ و آقایان نمایندگان یزد تشریف دارند و می دانند اوزاق یزد تماماً از رودشنک که یکی از بلوک اصفهان است می رود و ۳ سال بود که بواسطه کم آبی اصفهان بلوک رودشنک زراعت نشده بود اهالی یزد مجبور شدند از فارس و کرمان و راههای دور دست جنس بیاورند در صورتی که اگر از رودشنک بود گریه میکنم ۳ قران برای آنها تمام میشد حالا چون از جاهای دور دست می آورند یکمن هشت قران برای آنها تمام می شود و همین آسایش اهالی یزد دوست میلیون قیمت دارد دوست هزار تومان که نفع ندارد

بعلاوه مالیاتهایی که در جزو جمع هست با وجود اینکه خود بنده در اصفهان بوده ام برای وصولش هزار قسم اقدام و جدیت کرده ام وصول نشد ولی پس از آمدن این آب وصول می شود یکی دیگر اینکه فرمودند دهات بالای زاینده رود فقط مشروب میشود یا دهات پائین دست مشروب میشود اگر آقایان یک مختصر اطلاعی داشتند این اعتراض را نمی فرمودند زیرا که بلوک بالا دست زاینده رود محتاج آب نیستند و بلوک مرتبه دوم هم محتاج نیست بلوک پائین دست اصفهان هم فقط ۳ ماه این آب را لازم دارد و تمام این زحمات برای این ۳ ماه است و الا بقیه سال تمام این آب می رود در گاو خونی و عنوان تمدنی و اجماع در مسئله زاینده رود بهیچوجه نیست بجهت اینکه سهامی است که مرحوم شیخ بهائی معمول داشتند و تاکنون بر قرار بوده و خواهد بود بعلاوه این چیزی است که مربوط بدولت و مجلس نیست یک قراردادی است ما بین خود ملائکین اصفهان و بعد از اینکه این مسئله گذشت خود آن ها با هم کنار می آیند و بین خودشان قراردادی

خواهند گذاشت این را هم عرض کنم که بنده و خانواده بنده یک زرع ملک در بالای اصفهان نداریم و آقای مدرس و سایر آقایان نمایندگان اصفهانی بخوبی میدانند و اراضی اطراف رودخانه هم هیچ لم یزرع نیست و همه املاک اربابی است که مالیات دارند اما مطلب دیگری که فرمودند این بود که یک دلسوزی برای رعایان نمودند و فرمودند خوب است شرطی هم برای آنها

معین کنند؟ بنده عرض کنم موسس این مسئله کیست؟ فلاحین اصفهانی هستند آنها ارباب هستند رعایای چهار بلوک هستند که بنده اسامی آنها را عرض میکنم ماربین جی - یزد - رود - و کان اینها قریب پنجاه هزار نفرند و تمام خودشان مالک ملک اند و مالک شهری در تمام این بلوک شاید چند نفر بیشتر نباشد و همین ما هستند که لایق قطع بتوسط نمایندگان اصفهان و آقای مدرس و غیر ذلک هر روز تلگراف میکنند و آنها هستند که قریب چهل روز است یک نفر نماینده برای گذراندن این امر بطهران فرستاده اند و خود آنها تماماً ذی نفع هستند در خاتمه استدها میکنم چون امسال اصفهان خشک سالی است و برخلاف تهران هیچ برف و باران نیامده آقایان موافقت فرمایند هر چه زود تر این مسئله از مجلس بگذرد و با جدیتی که آقای وزیر فوائد عامه دارند مهندسی که باید برای این کار معین کنند زودتر معین شود و برود که برای بندر کاری آتیه این آب ملحق برود کارون شده باشد بعضی یاد داشت های دیگر هم کرده ام که عرض می کنم ولی گمان میکنم آقایان قانع شده باشند و الا اگر لازم شد باز ممکن است عرض کنم

رئیس - اگر آقایان اجازه می دهند جلسه را ختم کنیم بقیه مذاکرات بماند بجلسه آتیه سابقاً بنا شد جلسه ۳ ساعت بتوسط تشکیل شود و امروز عده قلیلی بسر ساعت حاضر شدند انشاء الله بعد از این اینطور نخواهد بود

جلسه آتیه روز ۳ شنبه ۳ ساعت بتوسط و دستور همین دستور امروز خواهد بود

آقای ارباب کیخسرو (اجازه) ارباب کیخسرو - عرض میکنم مدتی است بعضی سئوالات مهم از آقایان وزراء شده است و هیچ برای جواب حاضر نمی شوند من جمله از وزیر مالیه خوب است اگر ایشان محظوری دارند و نمیتوانند حاضر شوند آقای رئیس الوزراء حاضر شوند چون فوت وقت سبب خسارت است استدها دارم تا کید فرمائید که برای جواب حاضر شوند

رئیس - تا کید میشود وزیر فوائد عامه - بودجه

وزارت فوائد عامه است که بضمیمه یک لایحه تقدیم میشود  
 آقای رئیس تسلیم نمودند  
 مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد.

**جلسه هفتاد و شش**

صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم برج حوت ۱۳۰۰ مطابق هفتم رجب هزار و سیصد و چهل مجلس دوساعت بغروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم شنبه ۱۳ برج حوت را آقای سهام السلطان قرائت نمودند)  
 رئیس - گویا بر صورت مجلس اعتراضی نبود

(اعتراضی نبود)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. لایحه امتیاز العاق رود کارون و زاینده رود مطرح است آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه)

شیخ الاسلام - اولاً خدمت آقایان تذکر میدهم که بعضی مقدمات هست که لازم است برای اینکه بتوانم مطالب خود را بعرض آقایان برسانم عرض کنم و تصور نشود این عرایض خارج از موضوع است اصفهان سه ناحیه و فصبه دارد : نجف آباد، قمش، اردستان که محل بحث ما نیست. هشت بلوک هم دارد که اراضی آنها از قنات مشروب میشود آنها هم محل بحث ما نیست که فریدن، عربستان، برخوار، مهتاب، قهپایه، جرقویه، سمیرم - کسرون باشد عرض کردم اینها از قنات آب مشروب است. حالا بعضی دهات از این بلوک هست که آنها هم از رودخانه آب میبرند. مثلاً در فریدن ۴ آبادی هست که از رودخانه مشروب میشود که : پانچشمه، آبادچی، زناخور، درکان است. از سمیرم يك ده فقط از آب رودخانه مشروب میشود که مبارک است. از برخوار دو آبادی فقط از رودخانه مشروب میشود که : دهنو، و محمود آباد است. هفت بلوک هم در اصفهان هست که از یک رشته رودخانه که از شمال غربی اصفهان در دامنه کوهی که موسوم بکوه رنگ واقع در خاک بختیاری شروع و به جنوب شرقی اصفهان منتهی میشود مشروب می شود که آن هفت بلوک لنجان، ماربین، برزورد، جی، کراوج، براتان، رودشت و ده باشد و یک بلوک مهم از این هفت بلوک که لنجان است منقسم به پنج بلوک میشود که به بلوک لنجان معروف است : ایدغمش، آشتیان، کرکن، دلبران، لنجان که باین اعتبار یازده بلوک از بلوکات اصفهان از این رودخانه مشروب میشود این رودخانه يك آب دائمی دارد و يك آب موقتی آب

دائم آن از چشمه هایی است که از دامنه همین کوه رنگ بیابین از زمین خارج میشود و آب موقت آن آبی است که از باران و برف که در کوه رنگ و دامنه ها و بیابانهای اطراف آن میبارد ایجاد میشود و آب دائم آن در سنوات چندان کم و زیاد نمیشود ولی آب موقت آن بواسطه اختلاف باریدن برف و باران در سنوات اختلاف زیاد دارد در بعضی سنوات بطورندرت در تمام سال یا کم و زیاد رودخانه آب دارد و در بسیاری از سنوات هم طوری کم آبی و خشک سالی است که در جهام الی پنجاهم نوروز آب می ایستد و تمام میشود آن آب دائم در سال فقط برای يك بلوک از بلوکات یازده گانه کافی است که بلوک ایدغمش باشد و ده بلوک دیگر کشت و ذرع آن باختلاف وغالب سالها بواسطه خشک سالی زراعت آن دچار اختلال میشود بسیاری از سالها بواسطه کم آبی حاصل گندم و جو برای نرسیدن يك آب که از آب آخری موسوم بآب گل و دان است از میان میرود. اما مالیات اصفهان، مالیات اصفهان از قدیم نقدی آن تقریباً سیصد و شصت هزار تومان است و مالیات جنسی قدیم تقریباً نه هزار خروار است و تقریباً نصف این مالیات نقدی را بلوک قنات آب میدهند و نصف نقدی و گل مالیات جنسی را بلوکاتی که از رودخانه مشروب میشوند میدهند ۱۸۰۰۰۰ تومان نقد و نه هزار خروار جنس باشد این یازده بلوک که از آب رودخانه مشروب می شوند بدولت می دهند و تقریباً يك ثلث از این مالیات نقدی و دو ثلث از این مالیات جنسی که شصت هزار تومان نقد و شش هزار خروار جنس باشد برای این بلوک رود آب که غالب سالها معمولاً تنش دچار اختلال است ظلم زیاد است قبل از مشروطیت عمل مالیات اصفهان کلیه عمل عمل قرطاس بود شاید يك ده يك از نقدی بول داده میشد و باقی نقدی و تمام جنس را معامله کاغذی میکردند مثلاً بکنفر یکصد تومان نقد و یک صد خروار جنس از دولت با سم مستمر با اسم دیگری داشت در زمستان این نقد را تومانی پنجاه شاهی جنس را خرواری یک تومان بملاکین می فروخت آنوقت آن ملاک یکصد و بیست و پنج تومان پول داده بود و صاحب صد تومان نقد و صد خروار جنس دیوانی بود که این نقد و جنس را بابت مالیات خود میگذاشت این بود که عمل مالیاتی بطور سهولت رتق و تق می شد. در زمان مشروطیت که حکم شد نقد را نقد و جنس را جنس بگیرند و حقوق دیوانی هم تقریباً از میان رفت مالکین بلوک ده گانه رودخانه آب اصفهان دچار زحمت و اختلال شدند. از يك طرف در بسیاری از سالها حاصل نبود از یک طرف پیشکاران مالیه فشار می آوردند مالیات بگیرند در سایه این فشار دو ثلث از جنس

بالمره بی محل شد و بقیه جنس را هم ملاکین بعضی سالها بود که از حاصل می دادند بسیاری از سالها که نبود از ملک فروشی، خانه فروشی، قرض میدادند تا اینکه کم کم ملاکین رودخانه آب بیچاره شدند ملک آنها افتاد زارعین آنها متفرق شدند خود آنها هر روز گرفتار امور بودند تا اینکه این زحمت و فشار فوق العاده يك مس چاره جوئی در آنها تولید کرد و چون در عتب کوه رنگ که سرچشمه زاینده رود است کوهی است معروف بزرد کوه و قبا باین دو دامنه این دو کوه رود عتیقی واقع است معروف برود کوه رنگ که منتهی می شود برود کارون و دریا و این رود تشکیل می شود از چهار چشمه که در دامنه زرد کوه واقع است و در قرن های قبل سلاطین و بزرگان در خیال بودند که این آب را متصل بزاینده رود نمایند فقط شاه عباس تنها نبود بنده خودم ندیدم ولی از بعضی اهل اطلاع شنیدم که قبل از اسلام کدر مقام بوده اند که این آب را ملحق بزاینده رود نمایند در تاریخ عالم ادهمین قدر معلوم می شود که شاه عباس ترتیب انجام این کار را داده و بعد جنگی پیش آمده که بآن جنگ رفته و مراجعت درست مازندران بود و پس از چند سال در شکار گاه مریشو مرحوم شده که دیگر روی اصفهان رانده است و کلیتاً اقدامی که برای انجام اینکار لازم بوده است دو چیز بوده است. یکی آنکه از کف رود کوه رنگ تا کف دهانه آن دو کوه که هشتاد ذرع است سدی جلو آب بسته شود که این آب هر زودتر زود از این سد در سابق قنر قلمی بسته شده است دیگر آنکه کوه رنگ که فاصله فیما بین این رود و سرچشمه زاینده رود است بریده شده ارتفاع کوه هم در جای مناسب این کار هفتاد ذرع است که در سابق از پنجاه ذرع الی سی ذرع آن باختلاف بریده شده و قمام از چهل ذرع الی بیست ذرع باقی است که باید بریده شود اهالی اصفهان چاره اصلاح امر زراعت بلوک که از رودخانه مشروب میشود در این دیده اند که این فکری که از قدیم در دماغهای اهالی بزرگان و سلاطین بود و قدری هم عملی شده انجام بدهند بدین واسطه نمایند گانی از اهل بصیرت فرستاده اند که آنها امکان آنرا تصدیق و مخارج آنرا در سیصد هزار تومان باز دید کرده اند پس از آن نمایند تعیین و بطهران فرستاده اند و تقاضای مساعدت آنها از نمایندگان عظام و دولت اینست که عرض میکنند خانه ما خراب شده ریشه ما بآب رسیده املا که ان بایر افتاده زارعین ما متفرق شده اند دیگر هم چیزی نداریم که بفروشیم و مالیات دولت را بدهیم و تقاضائی که پس از ترمیم و اصلاح لایحه آن را دولت پیشنهاد مجلس شورای کرده اند ولی این لایحه يك سطح و صورتی دارد که اینست که سیصد هزار تومان خود اهالی بدهند و مخارج شود پس از انجام کار

العاق آب دوست هزار تومان آنرا دولت یازده ساله قبض مالیات بآنها مرحمت کند ولی روح مطلب طور دیگر است که ممکن است میان تقاضای اهالی تقسیم شود که موجب بعضی اشکالات در نظر آقایان نمایندگان نشود و آنقسم اینست که اهالی عرض میکنند مادیکر فروداده مالیات بی محل نداریم دولت سیصد هزار تومان با فرض بدهد یازده ساله ردی کنیم و این آب را می آوریم املاک را دائر می کنیم مالیات را هم میدهم لابد دولت جواب میدهد که من پول موجود ندارم خودم گاهی قرض میکنم قرض را هم خودمان میکنیم دولت در مدت یازده سال از قرار صد پنج فرغ این پول را بدهد و این کمترین فرغی است که امروزه در عالم مرسوم است بیان مطلب که این قسم شد دیگر نمیشود گفت که دولت دوست هزار تومان پول بدهد در مقابل چه ببرد ؟ دولت چیزی ندهد يك قرض باین ترتیب که ذکر شد با اهالی بدهد اینجا لازم است خرابی بعضی دهات را خدمت آقایان تذکر بدهم چنانچه عرض شد نزدیک ترین بلوک سرچشمه زاینده رود بلوک لنجان است بنده حالا قرائتی که در این سنوات اخیر بعد از مجامع از یک لنجان از بین رفته اند بعرض آقایان برسانم که فصبه بلو کی را که بآب دورتر است قیاس فرمایند از بلوک فلادر جان لنجان در این دو ساله از بین رفته اند (۸۰) خانوار از گارماسه لنجان در این دو ساله از میان رفته اند هشتصد نفر از صولنجان از بین رفته اند از چهل خانوار سی خانوار از دال بیست خانوار بوده اند فعلاً متنفس در آن نیست سفهران، بیست خانوار بود، فعلاً ده خانوار شده. فیلدران، یازده خانوار بوده پنج خانوار شده این اندازه است اطلاعات بنده راجع باین يك بلوک که عرض شد باقی را قیاس فرمائید این بود عرایض بنده این جا به چند جمله فرمایشات آقای رئیس التجار و سایرین جواب عرض می کنم آقای رئیس التجار فرمودند که این آب ملحق شود شرکاء بالادست می برند و نسبت بشركاء یا این دست ظلم می شود این فرمایش در سهم اصفهانی بودن خیلی بینده برخوردار اصفهان که ولایت دیروز و امروز نیست اصفهان از بناهای طهورت است و بقول بعضی پسر کیومرث اول سلطان دنیا بود و بقول بعضی دیگر پسر زاده کیومرث بوده خوب اصفهانی که در ظرف شش هزار سال نتوالسته است يك ترتیبی در تقسیم يك رودخانه که امرار حیات از آن می نمایند بدهد که قوی نتواند بضعیف ستم بکند بالا دست نتواند آ زیر دست را ندهد این کتابچه تقسیم آب رود

خانه و طول این رودخانه هفتاد فرسخ است از اول رودخانه تا بل کله بیست و پنج فرسخ است در این بیست و پنج فرسخ هیچ وقت میراب رخالت نکرده از بل کله تا آخر رودخانه چهل و پنج فرسخ است هر کس مین دارد این کتابچه را بگیرد ببرد مطالعه کند ببیند ممکن است یک تبریزی آب جزء این رودخانه بشود و هر کس به هم خود نرسد .

بنده اگر بخواهم صورت این کتابچه را بعرض آقایان برسانم دو جلسه وقت مجلس را اشغال خواهم کرد (گفته شد صحیح است)

مطلب دیگر فرمودند که برعایا یک سهمی اضافه داده شده غالب املاک آب خور رودخانه ملک رعایا است از مال خود رعایا بردارند بخود آنها بدهند؟ دیگر آنکه فرمودند اگر املاکی که از الحاق این آب دایمی شود مالیات بدولت بدهد . آیا ممکن است در آب خور یک رودخانه که بعضی از سالها طوری طغیان دارد که خانه خراب میکند آسیا میبرد درختهای کهن ریشه کن می کنند زمینی باشد که تاکنون بایر بوده باشد از آب کوه رنگ دایر شود؟ خیر چنین زمینهایی نیست تمام مطلب این است که این آب موقتی بعضی از سالها زیاد است که ضرری رساند بعضی از سالها طوری کم است که نمی شود کشت و زرع معمول را کرد . اینجا لازم است یک نکته را تذکر بدهم و آن این است که شنیدم بعضی از آقایان فرموده اند اگر این آب ملحق زاینده رود شود بسامی شود طغیان آب شهر را خراب می کند .

این است که آقایان را مستحضرمی کنم که این آب کوه رنگ بطور دائم بالای آب زاینده رود گذارده می شد از قدیم هم این احتیاط را کرده اند ترتیب این کار طوری داده می شد که هر وقت این آب لازم باشد جزو آب زاینده رود شود و هر وقت هم لازم نباشد طوری جلو آن بسته شود که مثالی از آن داخل زاینده رود نشود از قدیم هم بهمان اندازه که از کوه بریده شده بعضی زبانه ها برای این کار تدارک شده

منظور اینکه این مطلب سابقاً و لاحقاً در نظر بوده بیش بینی هم شده است این مطلب را هم تذکر می دهم که موسس این کارزارعین و فلاحین اصفهان بوده و هستند جلسات داشتند و دارند.

اول یک نفر نماینده بکوه رنگ فرستاده اند بازدید کرده است خبر آورده است بعد دوازده نفر از اهل خبره رفته اند تحقیقات کرده اند و صورت آورده اند بنده مناسب نمی دانستم راجع به الحاق رود کوه رنگ

زاینده رود در مجلس اظهار لفظی بکنم بواسطه اینکه اصفهان در نظرم عزیز نیست خیر اصفهان در نظر بنده عزیز است ولی ایران از آن عزیزتر است مجلس شورای ملی را برای حفظ هر دو از هر دو عزیزتر میدانم . بنده آرزو مندم که این لایحه وقتی بمجلس شورای ملی تقدیم میشود آقایان نمایندگان با یک هلهله و شادی و صدای احسنت و آفرین و مرجبا و جانمی تلقی نمایند که سایرین تشویق شوند و دنبال این قبیل کارها بروند والا اگر بنا شود هر وقت ایرانی خواست یک کار بزرگی بکند یک طور دیگری بشود یا یک کار کوچکی بکند یک طور دیگری بشود بازمان بمنزل میرسد ؟

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت ؟

آقا سید یعقوب بلی موافقم .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت ؟

محمد هاشم میرزا - با کلیات موافقم رئیس - آقای مستشار السلطنه چطور ؟

مستشار السلطنه - موافقم رئیس - آقای فضل فرخان . ( غایب بودند )

رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت ؟

ارباب کیخسرو - خیر مخالفم رئیس - بفرمایند

ارباب کیخسرو - اینجا ابتدائاً باید عرض کرد که اگر بنده مخالف هستم و بعنوان مخالفت اجازه خواستم با سایر آقایانیکه مخالفت میکنند هیچ کدام مخالفت اساسی ندارند و کمال موافقت را در اساس این مطلب دارند ولی علت مخالفت بنده در بی ترتیبی و بی اساسی این راپورت است بنده تعجب میکنم از اینکه آقایانی که میخواهند دفاع کنند برای اینکه نمایندگان را راضی کرده باشند میگویند در این اقدام خسارتی متوجه دولت نیست و اگر خسارتی وارد بیاید متوجه مالکین است حقیقتاً این اظهار خیلی مایه تاسف است . دولت کدام است و ملت کدام ؟

دولت مگر یک چیزی خارج از ملت است ؟ دولت مگر از ملت جدا دارد ما نباید در یک کاری اساسی قدم بگذاریم که یکدینار ضرر متوجه دولت یا متوجه یک فردی از افراد ملت بشود (گفته شد صحیح است) علت مخالفت بنده هم همین است که یک ضرری متوجه مالکین که نظر نفع دارند نشود . آقای شیخ الاسلام شرحی راجع به رودخانه و جغرافیای آن بیان کردند بنده گمان میکنم قدری کم فرمودند این کوه رنگ که در اصفهان واقع است ( اصلاً رنگ در زبان فرس بمعنی شکار است ) یعنی کوه شکار این کوه دو طرف دارد

از یک طرف رود کارون را تشکیل میدهد و از طرف دیگر زاینده رود و رود کارون از آنجائیکه تشکیل می یابد قریب شانزده یا هفده منزل راه طی میکنند تا بکنار شوشتر میرسد و در کنار شوشتر دو قسمت میشود یک قسمت دودانگه و یک قسمت چهار دانگه که قریب هفت فرسخ طول دارد و یک جزیره مانندی را در میان تشکیل می دهد و بعد از سیر هفت فرسخ باز در جائیکه موسوم به بنه قیر است بهمدیگر ملحق میشوند و در آنجا یک رودخانه دیگر از طرف لرستان میاید و ملحق باین رود گردیده داخل اهواز می شود و همین طور از داخل اهواز بشط العرب و بعد بدریاد داخل میشود . اولاً اینجا مذاکره شد که در بالادست این رودخانه زمین و زراعت گاهی است که بر گردانیدن آن موجب ضرر بمالکین آنها میشود البته بدیهی است تا وقتی جلو رودخانه یک سد نباشد که آب بتواند بلند شود نمیتواند اراضی مرتفع را مشروب نماید ولی از یک طرف این الحاق ممکن است لطمه برود اهواز که کشتی رانی خاصی در آنجا میشود و فوائد زیادی از آن میبرند نبرند خیلی خوب بود آقای وزیر فوائد عامه اینجا تشریف میداشتند و توضیحات میدادند که آیا این خسارت متوجه است یا نه ؟ اگر چه اصلاً و اساساً بی ضرر نخواهد بود ولی اگر ایشان تشریف داشتند البته توضیحات میدادند در هر صورت گمان میکنم در ماده ( ۳ ) پیشنهادی که پیشون که اشاره شده است ( مشروط باین که اگر خسارت غیر قابل جبرانی متوجه نشود ) شاید مقصود خسارتی نباشد که ممکن است از گرداندن آب متوجه اهالی میشود و شاید هم نظرشان چیز دیگری باشد البته مخبر محترم توضیح خواهند داد در هر صورت بنده در این جا یک نظر خاصی ندارم و بنظرم فقط جلوگیری از خسارت ملاکین است که گفته میشود اگر ضرری متوجه شد بملاکین متوجه میشود بنده عرض میکنم چرا ما باید یک قدم غیر اساسی برداریم اعم از آن که ضرری متوجه دولت شود یا متوجه بملاکین این دیگر مسئله فقط شمال و کمیانی استاندار داویل نیست که یک فوریتی داشته باشد یا در آمریکا باشد ما میتوانیم در آن وقت و مذاکره کنیم خیر در اصفهان است و خیلی هم نزدیکتر است باز این خوب است دولت یک هیئت متخصص را بفرستد بروند رسیدگی کنند و ببینند آیا این خسارت امکان دارد یا نه ؟ زیرا این ادله ای که آقایان میفرمایند که شاه عباس و غیره خواستند اقدام بکنند و جنگی واقع شد یا داخل جنگ شدند و چه شد و چه شد بنده را قانع نمیکند حتی آقای شیخ الاسلام قدری بالا تر گذاردند و فرمودند قبل از اسلام هم در این صدد بوده اند

آیا تصدیق میفرمائید همه سلاطین بزرگ و مقتدر در زمانهای متعدد در نظر گرفته باشند که یک چنین کاری موفقیت ماصل کنند و با تمام نرسانند خیر اینطور نبود اعمال شاه عباس رادر ایران کمتر کسی است که نداند در تمام اطراف مملکت کاروانسراها ساخته و مسطح کرده و برای آسایش مردم چه کار های بزرگی کرده است ولی در این قسمت بنده یقین دارم که نتوانسته است موفق شود و بنده هم در صورتی مطمئن بامکان انجام این کار میشوم که دولت در پیشنهاد خودش بالصراحه ادله اقامه بکند و بگوید من هیئتی از مهندسين خودم را فرستادم و آن ها مرا مطمئن کردند که این کار بفلان مقدار خرج انجام می گردد و الا رفتن نمایندگان از طرف مالکین و زارعین نمی تواند مجلس شورای ملی را مطمئن کند (گفته شد صحیح است)

دولت باید مجلس شورای ملی را مطمئن کند بگوید نمایندگان من رفته اند و باز دید کرده اند که ممکن است این کار صورت بگیرد و بملاوه خرج هم درست بر آورد کنند و بگویند این مقدار مخارج دارد آن وقت تمام نمایندگان با اتفاق آراء این پیشنهاد را استقبال می کنند و فرضاً هر قدر هم ضرر متوجه دولت بشود برای آسایش عمومی رأی بدهند

ولی غیر از طریقی که عرض کردم نمی شود این لایحه را تصویب کرد بنده می بینم بعضی از آقایان در میان مرافقه نرخ طی می کنند و مسئله مالیات بمیان می آورند و می گویند مالکین اینجا مالیات را نداده اند یا نمی دهند .

بنده این اظهارات را نمی توانم در مجلس شورای ملی بپذیرم که بگویند فلان کس مالیات نمی دهد اصل نود و پنجم و نود و ششم متمم قانون اساسی طریق معافیت از مالیات را تصریح کرده است که معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوصی است و هنوز قانون مخصوصی برای تخفیف وضع نشده است ولی یک طریق دیگر برای معافیت از مالیات هست که در مجلس هم سابقه دارد و در ادوار سابق بمجلس آمده است نسبت بجاهائیکه دولت هم تصدیق کند که بواسطه علل عارضه نمی توانند مالیات بدهند باید مالیه محل بوزارت مالیه پیشنهاد کند و وزارت مالیه با هیئت دولت بمجلس پیشنهاد بکند آن وقت اگر مجلس تصدیق کرد البته از مالیات معاف خواهند بود و الا مالیات خود را باید بدهند

پس هر مالیاتی که در این جا وضع شده است نمی تواند در سابقه عنوانی معاف شود مگر از طریق قانونی اینده آقای عماد السلطنه در جلسه گذشته در ضمن بیاناتشان فرمودند که کسی تصور نکند ایشان در نزدیکی رودخانه دارای ملکی هستند و برای صرفه خودشان اقدام می کنند

عهد السلطنه حر اسانی - بنده

اینطور نگفتم

**ارباب کیخسرو** - بنده عرض می کنم تمام نمایندگان که در اینجا هستند نظرشان بقانون است و ابتدا نظر اختصاصی و شخصی ندارند و گمان هیچکس هم چنین تصوری را نکرده است اگر یک قانونی را مجلس تصویب کرد و استفاده از او حاصل شد خواه آن استفاده را بکنند نماینده بکنند خواه غیر نماینده فرق نمیکند. اما این پیشنهاد یک نواقص دیگری هم دارد اولاً هیچ معلوم نیست که این خرج از روی چه میزان تعیین شده و هیچ امکان و عدم امکان معلوم نیست و ابتدا هم پیش بینی نشده است که آن مالکین که دادن سیصد هزار تومان را تمهید می کنند آیا چه نظارتی در این خرج خواهند داشت؟ این مسئله یکی از مطالب غیر فلسفی است که کسی پول بدهد و هیچ حق نظارت نداشته باشد ممکن است مأمورین دولت این پول را حیف و میل کنند و صحیحاً به مصرف نرسانند. علاوه در این لایحه ابتدا پیش بینی نشده است که بعد از موفقیت در این کارها حق دولت و مالکین از این آب چه خواهد بود؟ اینهم یکی از مسلمات است که لازم است قبلاً معلوم شود پس بطور کلی در قسمت خودم عرض می کنم که بنده روزی می توانم باین پیشنهاد رأی بدهم که اولاً مطمئن شوم از طرف دولت یک هیئتی از متخصصین و امکان آن را تصدیق نموده اند و ثانیاً در حدود امکان خرج را از روی دقت و صحت برآورد کرده اند و ثالثاً این که حق دولت و مالکین را که متحمل این خرج و زحمت هستند درست معین نمایند که بعد از انجام این کار از طرف دولت یک تعهداتی بمالکین نشود ولی تا صورت صحیح جامع الاطراف بمجلس نیاید تا فانه بنده در سهم خودم چون این پیشنهاد را مضر بحال ملاکین میدانم نمیتوانم رأی بدهم و استدعا دارم اگر چه آقای وزیر قرائت عامه اینجان نیستند اگر آقای مخبر در حدودی که بنده عرض کردم میتوانند بنده را قانع کنند و بگویند که دولت در فلان تاریخ فرستاده و امکان این امر را معین کرده و این سیصد هزار تومان خرج هم از روی دقت معین شده است ما آنوقت در سایر قسمتهائی که عرض کردم بتوانیم اظهار عقیده کنیم

رئیس آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقای مخبر برای دفاع از صندلی خود حرکت نمودند

رئیس خطاب با آقای سید یعقوب قدری تأمل کنید آقای مخبر اظهاراتشان را بنمایند بعد جنابعالی بفرمائید

مخبر اولاً آقای ارباب فرمودند فرقی فی مابین دولت و ملت نیست و اگر ضروری متوجه

دولت بشود در حقیقت متوجه ملت شده است و حقیقتاً همانطور است که فرموده اند لیکن نمیدانم چرا در جای دیگر از فرمایشاتشان فی مابین ملت و دولت بتفکیک قائل شدند و فرمودند که بایستی حقوق دولت و ملت هر یک قبلاً معین و مشخص شوند تا ثانیاً فرمودند که بایستی قبلاً متخصصین بروند و دقت کنند که آیا امکان دارد این آب جاری شود یا خیر و آیا این سیصد هزار تومان برای خرج اینکار کفایت می کند یا نه بنده عرض می کنم اولاً آقایان اصفهانی که این پول را میدهند خودشان بهتر از هر متخصصی دقت کرده اند و ما نمی توانیم رعایت منفعت اشخاص را بیش از خود آنها بکنیم مگر اینکه قائل شویم که در اصفهان بکنند آدم عاقل نیست که تشخیص خوب و بد را بدهد این که ممکن نیست البته اصفهان مردمان عاقل و دانا دارد و بی جهت پول خود را دور نمیریزند در این صورت اگر این آب ملحق شد مبلغ دو بیست هزار تومان آن را دولت در مدت پانزده سال با قسط مساوی به ازایات مالیات آنها محسوب خواهد کرد و اگر موفقیت حاصل نشد تمام این وجه از کیسه اهالی اصفهان رفته است

(بعضی گفتند صحیح است)

اما اینکه فرمودند قبلاً متخصص بروند در سیدگی کنند و بیه بینند که صدمه و لطمه بکشتی رانی رود کارون و اهواز و شوشتر و سایر مزارع وارد میآورد یا نه بعد خودشان متذکر شدند که شاید مقصود از این ماده سه کادر اینجا ذکر شده برای همین مطلب باشد. بنده عرض میکنم بلی برای همین نوشته شده و بنده باز هم تأکید میکنم که البته البته اقدام باین امر نخواهد شد مگر اینکه از طرف دولت یک هیئت متخصصین بروند و ببینند بواسطه اینکار ضروری وارد خواهد شد یا نه؟ البته ضرر هائی وارد خواهد شد ولی باید ببینند این ضرر در مقابل این منفعت چه قدر است؟ اگر در مقابل این منفعت قابل جبران هست که اقدام خواهد کرد والا خیر و به و آب اهواز خیلی زیاد است و رودخانه های متعدد زیادی دارد که این آب نسبت بآنها خیلی کمتر ولی البته باید بروند و تشخیص بدهند که این رودخانه تا با آنجا نیکو به دریای ملحق میشود اگر برگرداند ضررش چیست و نفعش چه؟ اگر تشخیص دادند که ضررش بیشتر است و نفعش کمتر است البته اقدام نخواهند کرد و اگر برعکس باشد البته شروع خواهند کرد و فرقی که بین اظهارات آقای ارباب کیخسرو و رایبورت کمیسیون است این است که آقای ارباب میفرمایند قبلاً بروند و بازدید کنند ولی کمیسیون در نظر گرفته که بعد از تصویب مجلس بازدید شود. حالا چرا کمیسیون این نکته را در نظر گرفته است برای این است که

امروز یک عده از مردم یا بسرای منفعت خودشان یا برای احتیاجاتشان یا بجهت دیگری حاضر شده اند که سیصد هزار تومان برای این کار خرج کنند اگر ما امروز تصویب بکنیم شاید یک موانعی پیش بیاید که اسباب تعویق شده و اهالی آنجا از این خیال منصرف شوند و علاوه در صورتیکه فعلاً مجلس شورایی این اقدام را تصویب کند آنوقت مخارج این هیئت متخصصینی که برای بازدید و مهندسی میروند از همان سیصد هزار تومان خواهد شد والا این خرج در عهده دولت می افتد و دیگر این که فرمودند باید حقوق مالکین و دولت معلوم شود بنده از این فرمایش ایشان تعجب میکنم زیرا دولت در این رایبورت یالایحه کسی را در مقابل خودش در نظر نگرفته است و با کسی قراردادی نمی خواهد بگذارد فقط مجلس بدولت اجازه میدهد که سیصد هزار تومان پول باین طریق تهیه کند و دولت هزار تومان آنرا بترتیبی که گفته شد بپردازد و صد هزار تومان هم برسم عهده یا تعارف یا هر چه اسمش را بگذارند از اهالی اصفهان قبول نموده آنوقت این سیصد هزار تومان را خرج الحاق این رودخانه به یکدیگر بکنند بنابراین در صورتی که قید و شرطی در پیشنهاد نیست دولت برود مردم را صدا بزند که بیایید با من که می خواهم آب بیاورم و شما بدهم قرار بگذارید اینکه معقول نیست و اما راجع مالیات که فرمودند بعضی از آقایان اصفهانی اظهاراتی راجع به معافیت از مالیات نمودند گمان می کنم از موضوع رایبورت کمیسیون خارج باشد و باین جهت بنده بایستی راجع باین قسمت عریضی بکنم

رئیس - آقای سردار جنگ موافقت یا مخالف؟

سردار جنگ - بنده باید اطلاعات خود را عرض کنم

رئیس - با رایبورت موافقت یا مخالف؟

سردار جنگ - باین ترتیب و این لایحه مخالفم

رئیس - بفرمائید

**سردار جنگ** - بنده اساساً با الحاق کارون بزاینده رود موافق هستم ولی اطلاعاتی در این زمینه دارم که باید تقدیم مجلس شورای ملی بکنم. اولاً صحبت از کوه رنگ و زرد کوه شد باید عرض کنم این آب کارون از دامنه زرد کوه بیرون میآید و کوه رنگ حایل مابین این رودخانه و زاینده رود است در عهد شاه عباس یک قطعه از این کوه را که کوتاه تر بود است قدردی شکافته اند و حالا بعد از شکافتن تمام این قطعه باید چندین سد بزرگ در پایین این رود بسازند که خسارت وارد نیآورد و عقیده بنده اینست که بادو کرور هم این آب ملحق زاینده

رود نخواهد شد و دیگر اینکه نماینده محترم فرمودند از بر گرداندن این آب بهیچ کس و هیچ جاضوری وارد نیآید و بکشت و ذرع خسارتی نخواهد رسید عرض میکنم پنج طایفه از ایل بختیاری در همان دامنه زرد کوه بیلاق نشین هستند و زراعت میکنند البته به آنها خسارت وارد خواهد آمد و علاوه بعقیده بنده این کار دو کرور یا بیشتر خرج دارد تا این آب زاینده رود ملحق شود و بعد از الحاق همانطور که فواید زیاد میرساند ممکن است ببلوک عقیلی که جزو شوشتر است و سالی قریب سه هزار تومان بدولت مالیات میدهند خیلی خسارت وارد بیاورد عقیده بنده این است که دولت قبلاً مهندسی بفرستد که بروند و تمام منافع و مضار و خرج و طول مدت آنرا بازدید کنند و یک صورت مرتبی تهیه و بمجلس شورای ملی تقدیم کند

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - اولاً بیان آقای سردار جنگ خیلی خوب بود که جغرافیای آقای ارباب کیخسرو را از بین برده و شرح جغرافیای آنجا همین بود که آقای سردار جنگ بیان کردند و دیگر جغرافیای شما علمیت ندارد و ثانیاً از زمانی که مجلس و مشروطیت شد همیشه می گفتیم که چرا دولت ما رجوع بملت خودش نمی کند و ملت چرا همراهی و کمک با دولت ندارد و در تمام روزنامه ها می نوشتم در بالای میزها فریاد می زدیم که آی ملت بیاید دولت خودت کمک کن و آی دولت چرا دستت را پیش ملت خودت دراز نمی کنی و پیش اجانب دراز می کنی همیشه ناطقین و واعظین و ارباب جراید این صحبت را می کردند و فریادها میزدند و آرزو مند بودند که آیا روزی میشود که دولت بگوید آی ملت بیایید و بمن کمک کنید و فرضی بمن بدهید و فلان چاره آباد کنید ای وای بر ما نزدیک بود که ما بمیریم و ندهیم حالا اول قدمی را که ما می خواستیم و آرزو مند بودیم ملت اصفهان برداشته و بمیل خود آمده اند و می گویند ای دوستیکه میخواهی ترقی کنی میخواهی آباد کنی ما از جیب خود بر میداریم و میدهیم و رعایای ایران بیایند و کار کنند ما که از جای دیگر حمله نمیآوریم و از خارج کارگر نمی خواهیم رعیت ایران است عمله ایرانی است فلاح و زارع ایرانی است بیایند و این کوه را بکنند اگر شد فیها المطلوب اگر نشدند قانون نمک را گذرانند و نمک نشد بطور شده دعوائی نشد بطوری نشد

حالا هم یک جماعتی از اهالی اصفهان آمده اند و می گویند ما قدم می گذاریم برای ترقی مملکت برای آبادی مملکت و کمک بدولت خودمان می کنیم اگر آب

جاری شد و اصفهان آباد شد و زمین‌های بایر ما بکار افتاد آن وقت دولت از بابت مالیات همین آبی که خود ما پول داده‌ایم و جاری کرده ایم سالی چهارده هزار تومان از مالباستان کم کند و اگر خدای نخواستہ انجام نگرفت بدولت ضرری نخورده است آقایان قدری توجه کنید و بقول آقای شیخ الاسلام گمان می‌رفت که این اقدام ملت اصفهان وقتی در مجلس گفته شد باصدای هلهله و احسنت و آفرین استقبال کنید تا اینکه ملت استرآباد هم باین خیال بیفتد که آب گرگان را بیاورند و در صحرای استرآباد و شهر گرگان را مجدداً تشکیل بدهند و آباد کنند.

هنگذا جاهای دیگر که منابع مشروت و انتفاع دارد و چون اقدام نکرده اند همین طور بی فایده مانده است شاید خدای نخواستہ ملت از دولت بواسطه عدم مساعدت دلتنگ باشد و اظهاری نکند ما که مجلس شورای ملی هستیم چرا ترغیب نکنیم؟ این یک کار خوبی است که ملت اصفهان تقدم جستہ اند شاید دیگران هم تبعیت از آنها بکنند.

ثالثاً بنده فرقی بین بالای اصفهان و زیر اصفهان نمی‌گذارم مثلاً اگر شخصی در سرخس پیدا شود و بگوید می‌خواهم رودخانه هیرمند را بر گردانم باینجا می‌گویم فوراً باید امتیاز داد که سرخس ایران هم آباد شود هیچ فرقی نمی‌کند بالای اصفهان باشد یا پایین اصفهان باشد همه رعیت ایران هستند پس این مسئله که ملت بدولت کمک کند و پول قرض بدهد و دولت را حاضر برای آبادی کند یک نفر از نمایندگان مخالفت نداشته باشند و هیچ ضرری هم برای دولت و ملت ندارد و برای اینکه هیئت فلاحین اصفهان پول میدهند بعمله اصفهانی پول از جیب آن بیرون بیاید و بجیب دیگری برود بجیب اجانب که نمیرود اگر آب جاری شد بالای اصفهان و پایین اصفهان هر دو آباد می‌شود و این همه رعیت بدبخت ایران هم متفرق شده اند وقتی دیدند آثار آبادی و سعادت در مملکت پیدا شده است وقتی دیدند مملکت در صراط ترقی و تعالی و سعادت است متوجه مملکت خود می‌شوند. مسئله دیگری که آقای ارباب کیخسرو فرمودند معاف بودن از مالیات است. آقای ارباب. آقای عباد السلطنه فرمودند آنها از مالیات معاف بشوند یک مثلی است (که سلطان نخواهد خراج از خراب) فلان بلوک خراب شده و هیچ چیزی برای آن باقی نمانده. خانه‌ها خراب. مزرعه خراب. اغنام و احشام از بین رفته. رعایايش تمام متفرق شده‌اند در این صورت اینجا مسئله بانتفاء موضوع است چون دیگر موضوعی برای دادن مالیات باقی نمانده لذا گفته‌اند اینجا از ادای مالیات معاف

است اصفهانی بیچاره هم مخارج دارد انتظامات میخواهد مرکز هم پول ندارد از کجا باید بیاوریم غیر از اینکه اول باید خانه را آباد کنیم بعد از آن از خانه خودمان انتفاعات برداریم و خرج خودمان بکنیم چاره غیر از این نداریم. اما مسئله حق-المنظاره بنده عرض میکنم که هیئت فلاحین و تجار و مالکین اصفهان آمده‌اند و بدولت و مجلس شورایی عرض میکنند که این امتیاز را باید بدهید و حکام مانع نشوند که ما برویم این راه را آباد کنیم. مثلاً بنده از دولت امتیاز میگیرم که بروم کتیرای این کوه را بگیرم. آیا دولت ناظری برای بنده معین میکند؟ من از پول خودم میخواهم بروم این کار را بکنم دیگر ناظر برای چه معین کند ناظر بالاتر از اراده من چیست پس این ایراد را هم نمیشود کرد یعنی یک اعتراض مقنعی نبود که آقای ارباب فرمودند.

شاید بنده نفهمیدم والا این ایراد وارد نبود آمدیم بر سر قرض دولت ما باید زحمت بکشیم و از دماغها بیرون کشیم که دولت امروزه غیر از دولت زمان استبداد است ما بعد از آنکه بواسطه مجاهدت مشروطیت را گرفتیم تمام افراد مملکت شریک در نفع و ضرر هستند پس دولت از ملت مجزی نیست و این هشت نفر وزیر قوه توانائی ملت هستند ملت قوه توانائی خود را بنمایندگان میدهد و قوه توانائی خودش را بدولت خزانه دولت پول همین ملت است و جیب همین ملت خزانه دولت است پس دولت و ملت از یکدیگر متمایز نیستند تسا آنها یکدسته باشند و اینها یکدسته هر وقت ملت متمول شد دولت متمول است بنده که در ممالک خارجه نرفته‌ام ولی آنها می‌گویند که تمام ممالک متدانشان از ملت پول قرض میکنند و خرج میکنند بنده شنیده‌ام که فرانسه از ملتش پول قرض میکند و راه آهن و کارخانه میسازد و همین طور در تمام دنیا دول از ملت خودشان قرض میکنند و برای آباد کردن قسمت های مملکت خودشان خرج میکنند نمی‌روند از جای دیگر بگیرند پس هر چه از جیب ما رفته است از جیب آنها رفته است هر وقت ما ترقی کردیم دو ما ترقی کرده است ما چه طور میتوانیم دولت را از ملت مجزی کنیم و بگوئیم دولت علیحده است و ملت علیحده این حرف از مشروطیت و آزادی خیلی دور است اما راجع بفرمایشات آقای سردار جنگ من نظریات ایشان را تجسین میکنم ایشان یکی از اشخاص فوق العاده ابل بختیاری هستند که بیشتر متوجه آبادی بوده‌اند و فرموده‌اند من با اصل مطلب مخالفت ندارم ولی میفرمایند دو کرور خرج دارد

بنده عرض میکنم که ما نقداً سیصد هزار تومان خرج میکنیم اگر آب جاری شد که نعم الملوک و البرکات نشود. ضرری نکرده‌ایم این پولها بجیب رعایا و عمله‌های فقیر همان جا رفته است ابدأ ضرر ندارد فعلاً ما حاضر شده‌ایم که دست مالکین را در این کار داخل کنیم خدا کند که آنها هم حاضر شوند و امیدوارم که در این باب دیگر مذاکره نشود و به تجسین و هلهله بزودی این لایحه را بگذرانند وزیر فواید عامه - چون بعضی از آقایان نمایندگان راجع باین مسئله نظریاتی داشتند بیان فرمودند و بعضی آقایان دیگر جواب آنها را دادند. دیگر لازم نیست بنده داخل در جریانات شدم ولی بنده با نظریات آقای آقا سید سید یعقوب کاملاً موافق هستم که در بین دولت و ملت ابدأ فرقی نیست دولت عین ملت است و ملت عین دولت اگر منافعی برای دولت باشد البته عین آن منافع برای ملت است برای دولت چه منفعتی بهتر از این است که یک قسمتهایی که لم یزرع افتاده است و رعایا از آنجا متفرق شده‌اند در آنجا آبی بیاورند و جاری کنند و رعایا بهره‌مند شوند و خود دولت از آن جا استفاده کند و آن مملکت را هم آباد کند البته آقایان نمایندگان موافق هستند در اینکه وقتی از این قبیل مسائل پیش می‌آید زودتر انجام بگیرد و بنده می‌خواهم از آقایان محترم استدعا کنم که یک قسمت از جلسات مجلس را صرف این قبیل امور نمایند و بنده حاضر از این قبیل پیشنهادات خیلی حاضر نموده و تقدیم مجلس کنم زیرا از این مسائل در این مملکت زیاد است و اما راجع باینکه بعضی از آقایان فرموده‌اند این کار بدون مطالعه پیشنهاد شده است بنده توضیحاً عرض می‌کنم البته مطالعات اولیه شده است و شاید یک اندازه تحقیقات هم شده باشد ولی اینکه وزارت فواید عامه عجله کرد در تقدیم این پیشنهاد و باین جهت بود که اگر می‌خواست قبل از پیشنهاد به مجلس شورای ملی یک اقداماتی نماید چون مبنی بر یک اساس مثبتی نبوده و ممکن بود در جریانات یک تأخیراتی اتفاق افتد و یک چنین موقع مثبتی که امروز با حضور مجلس مقدس برای دولت فراهم است از دست برود البته تا اینکار را بر روی یک اساس مثبتی نگذاریم نمی‌توانیم شروع بعمل کنیم این بود که هیئت دولت و وزارت فواید عامه وقت را منتقم شده که این استفاده را از مجلس مقدس مینمایند و این اجازه را تحصیل کنند و اساس اینکار را بر روی یک اجازه قانونی بگذارند و بعد شروع بکار کنند معلوم است وزارت فواید عامه وقتی این اجازه را از مجلس تحصیل کرد بدون مطالعه نمیرود و یک پولی از مردم بگیرد البته قبل از اینکه شروع بعمل کند یک هیئتی از

مهندسين مأمور نماید که بروند معاینه کنند آن مخارج را بر آور کنند بسنجند و یک صورت و راپورت صحیحی تهیه کنند اگر دیدند که این کار ممکن است باین مبلغ انجام بگیرد آنوقت شروع بکار خواهند کرد و انشاء الله که موفقیت هم حاصل خواهد شد ولی اگر دیدند که این کار عملی نیست و یک خساراتی وارد می‌آورد و باینکه ضرر هائی بجای دیگر می‌خورد و حتی الامکان اقدامی نخواهد کرد و هلت دیگر این بود که اگر می‌خواستیم اینکار را قبل از اجازه مجلس بکنیم نظر باینکه مخارجی داشت و شاید اهالی اصفهان برای مخارج ابتدائی آن حاضر نمیشدند دولت مجبور بود از خودش خرج کند ولی بعد از تحصیل اجازه از مجلس اهالی با کمال میل مخارج مقدماتی را خواهند داد پس از حصول اطلاعات کاملاً انشاء الله شروع بعمل خواهند شد. و اما نظارت را که یکی از آقایان فرموده بودند و آقای آقا سید یعقوب جراب فرمودند بنده عرض می‌کنم البته نظارت دولت در آنجا خواهد که کار از روی ترتیب صحیح پیش برود و مسلم است بدون نظارت دولت نخواهد شد و استدعا می‌کنم که آقایان موافقت فرمایند کرد کزودترین پیشنهاد تصویب شود

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی نیست ؟

( گفته شد کافی است )

ارباب کیخسرو - یک سوء تفاهمی برای آقای آقا سید یعقوب پیدا شده بنده می‌خواستم توضیح بدهم

رئیس - ده یازده نفر قبل از شما اجازه خواسته‌اند آقای سلطانه موافقتند - سلطان العلماء - بلی

رئیس - آقای درل آبادی چطور ؟

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس - آقای سهام السلطان هم موافقتند ؟

سهام السلطان - بلی

رئیس - آقای عدل السلطنه مخالف‌اند ؟

عدل السلطنه - بلی باین راپورت مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

عدل السلطنه - بعد از بیانات آقای ارباب کیخسرو سردار جنگ دیگر مزاحمت بنده لازم نیست و مسلم است در این تأسیسات هیچکس مخالفت ندارد و همه موافقت دارند.

ولی با این طرز بر آورد که هیچ ترتیب صحیحی ندارد بنده مخالفم و البته اقدام در این کارها باید با یک دقت کاملی بشود و بهتر این است که این راپورت بر گردد بکمسیون و با یک مطالعات عمیقتری به مجلس بیاید البته همه آقایان هم رأی

خواهند داد و این نظریه اهالی اصفهان هم خیلی مورد تمجید و تحسین است.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - بنده لازم

میدانم مختصری از تجربیات گذشته را به عرض آقایان برسانم که کمتر باین قبیل چیزها اشکال بفرمایند.

در سنه ۱۳۲۷ مرحوم صنایع الدوله راجع بکوه زرد دامغان و معدن طلائی که در آنجا بود پیشنهادی کرد و در روز در مجلس مطرح مذاکره بود و بالاخره آنقدر اشکالات غیرممکنه فرض کردند که پیشنهاد خود را مسترد داشت و گفت اگر تازه سال دیگر در این خصوص کسی پیشنهادی داد من حاضرم چندین برابر جریمه بدهم و الان سیزده سال است از آن تاریخ گذشته است نه بوزارت فوائد عامه پیشنهادی راجع باین موضوع رسیده است و نه بمجلس سال بعد یعنی سنه ۱۳۲۸

راجع باراضی لرستان و عربستان پیشنهادی شد که آنجا را آباد کنند که از آن پیشنهاد فوائد زیادی عاید دولت میشد و موضوع عملی و آسانی بود باز آقایان نمایندگان آنقدر اشکال کردند که آنهم از میان رفت مثل اینکه بعضی از آقایان نمایندگان گویا آن اراضی را ذرع کرده بودند و حساب کرده بودند که اگر زعفران بکارند در هر ذرع مربع فلانقدر فائده خواهد داشت.

بعضی میفرمودند اگر نهال در آنجاها کاشد شود بفلان مقدار فاصله صد ذرع ارتفاعش می شود یک ارتفاعهای غریبی تصور می فرمودند و بالاخره آنقدر اشکال شد که موضوع از بین رفت و ۱۲ سالست دیگر نشنیدم کسی راجع باین موضوع پیشنهادی بدولت داده باشد یا از ۱۲ فرسخ مربع تقاضای آبادی یک فرسخ یا یک ذرعش را کرده باشند.

این مسئله هم همین طور است آنقدر اشکال تراشی می شود که دیگر خود اصفهانها تعقیب نمیکنند و اما اینکه بعضی از آقایان می فرمایند مطالعات عمیق و کافی لازم است گمان می کنند کانال سویس یا پاناما است و چندین هزار نفر مهندس اروپائی لازم دارد فقط ششصد ذرع راه است که تمام مقنی های ولایات مخصوصاً در اصفهان قناتهای میکنند که ۱۲ فرسخ طول و چندین ذرع عمق دارد آبرو جاری میکنند این مسئله آنقدر مهم نیست.

همین مقنی های دهات در ارتفاع صد زرع و هشتاد زرع تشخیص موضوع را می دهند و این موضوع هم محسوس است هشتصد ذرع طول اوست ۵۰ ذرع ارتفاع و لازم بقواعد هندسی نیست تمام این ها قواعد معمولی است و در دهات هم همین

کارها می شود خدا رحم کرد که نقشه اش را هم بمجلس آورده اند والا چه مذاکراتی می شد.

مثلاً میفرمایند علت اینکه در عهد شاه طهماسب اقدام نشده است چون زمینش کوه نبوده است و خاک بوده است خراب می شود و در عهد شاه عباس هم همین مطلب علت تعویق شده است.

آقای شیخ الاسلام فرمودند در کتاب عالم آرای عباسی نوشته شده که در این سال فلانکس مباحث بود و شاه بکیجارت و جنگ اتفاق افتاد و از این قبیل چیزها نوشته است.

البته ممکن بود همان مورخ در تاریخ خودش این طور بنویسد چون دیدند اینکار بلا اثر و بلا نتیجه بود و ارتفاع آن کافی نبود یا مانع دیگری داشت اقدام نکردند مورخی که آنها را یادداشت کرده است میتواندست

آنجا را یاد داشت کند و اما راجع باینکه میفرمایند بنده عرض میکنم که چون یک قدری آنجا سرا زیری دارد و مختصر سدی لازم است که بعد از باز کردن راه دومرتبه گود نیفتد و هر سال اسباب زحمت

نشود لذا خواسته اند پیش بینی کرده باشند و استعدادهای میکنم در کلیات مذاکره ختم شود و داخل در مواد شویم البته بنده هم در بعضی از موادش پیشنهاداتی دارم و آقایان دیگر هم پیشنهادی دارند و غالب مذاکرات فعلی حقیقتاً راجع

بمواد هست که عملی نحو الکی می شود البته وقتی که داخل در مواد بشویم عملی بسئالات هم مذاکره میشود و در آن قسمت پیشنهاد کمیسیون هم که نوشته یک آب

بلا ثمری است و ممکن است مردم از آن انتفاع ببرند البته در کدام از آقایان پیشنهاداتی میکنند که بوزارت فوائد عامه اجازه داده شود که با رضایت اهالی

قراری بدهند تا اسباب زحمت برای دیگران فراهم نشود در مواد هم عرایضی دارم که بعد خواهم گفت

رئیس - آقای فتح الدوله موافقت می فرمایند؟  
فتح الدوله - عرایض بنده گفته شد  
رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی (اجازه)

عماد السلطنه - بنده با اساس این این کار موافقم و گمان نمیکنم هیچ کس با اساس مطلب که الحاق آب کارون بزیانده رود است مخالف باشد ولی بنده

با این راپورت مخالفم و بیانات و اظهارات آقای مخبر هم با این مواد موافقت نمی نماید من جمله بیان کردند که وقتی این آب جازن و ملحق شد اصل آب مال دولت خواهد بود و از این راپورت بهیچ وجه من الوجود چنین چیزی مفهوم نمی شود و بعلاوه وقتی داخل در مواد شدیم پیشنهادات

خود را عرض میکنم علاوه از بیانات آقای وزیر فوائد عامه معلوم میشود که دقت کاملی در اطراف نشده است و بنده تصور میکنم که با این ماده الحاقیه که مینویسد اجرای مواد فوق در صورتی است که

موجب خسارت مهمه غیر قابل جبران بعمل دیگر نکرده بکلی این مواد غیر قابل اجرا خواهد کرد و اگر مجلس هم بخواهد یک رأی غیر قابل اجرائی بدهد کار لغوی خواهد بود بعقیده بنده باید بدو

در اطراف این کار دقت و مطالعات عمیق بکنند بعد رأی بدهند  
رئیس - آقایانیکه توضیح دادند کی هاستند؟ آقای عماد السلطنه اصفهانی توضیحی دارید؟

عماد السلطنه خیر توضیحی ندارم  
رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)  
ارباب کیخسرو - اینکه آقای

آقا سید یعقوب بایک حالت غضبناکی بنده حمله نمودند که نقشه بنده بهم خورد بنده نقشه برای کسی نکشیده بودم اولاً اینکه بنده را مخالف با اساس معرفی کردند بنده

مخصوصاً عرض کردم هیچکس مخالف با اساس این کار نیست و این تعبیر ایشان ابدأ موضوع نداشت ثانیاً ایشان فرمودند نقشه بهم خورد من نگفتم رود از کجا تشکیل میشود بنده عرض کردم کوه رنگ در بین حایل است که آنطرف

رود کارون تشکیل میشود و اینطرف زاینده رود و ثالثاً راجع بنظارت گفتم برای پول دهندگان و ملاکین چرا حق نظارت فرار نداده اند نه اینکه دولت چه

انتظاری خواهد داشت و چون فقط مقصود توضیح بود دیگر عرضی ندارم  
رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

(گفته شد کافی است)  
رئیس - رای می گیریم برای وصول در مواد آقایانیکه تصویب میکنند داخل در مواد شویم قیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب ۴ ماده اول قریب میشود

(آقای سهام السلطان بشرح ذیل قرائت نمودند)  
مجلس شورای ملی برای تهیه وسائل الحاق آب کارون زاینده رود مبلغ سیصد هزار تومان بوزارت فوائد عامه اعتبار میدهد

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)  
سلطان العلماء - موقعیکه بنده است اجازه کرده بودم موقعی بود که در کلیات مذاکره میشد بنده هم میخواستیم در کلیات مذاکره نمایم حالا که رای گرفته شد

خود را عرض میکنم علاوه از بیانات آقای وزیر فوائد عامه معلوم میشود که دقت کاملی در اطراف نشده است و بنده تصور میکنم که با این ماده الحاقیه که مینویسد اجرای مواد فوق در صورتی است که موجب خسارت مهمه غیر قابل جبران بعمل دیگر نکرده بکلی این مواد غیر قابل اجرا خواهد کرد و اگر مجلس هم بخواهد یک رأی غیر قابل اجرائی بدهد کار لغوی خواهد بود بعقیده بنده باید بدو در اطراف این کار دقت و مطالعات عمیق بکنند بعد رأی بدهند

مذاکرات کافی است و اکنون استفاده از موقع کرده عرض میکنم که دولت از مجلس شورای ملی اجازه سیصد هزار تومان اعتبار را میگرد حال اینکه این طور نیست دو صد هزار تومان است و صد هزار تومان آن را اهالی خودشان می دهند دخلی بدولت ندارد بنده ناچارم از مقام ریاست تمنا کنم اجازه بفرمایند باز بنحو کلی مختصر عرض تقدیم مجلس شورای ملی نمایم

رئیس - اجازه باینده نیست چون رأی بکافی بودن مذاکرات در کلیات داده شده باید در مواد مذاکره نمود  
سلطان العلماء - بنابراین در آخر عرایض خودم را خواهم کرد همین قدر عرض میکنم که خوب است در این ماده اصلاح عبارتی بشود و دو صد هزار تومان نوشته شود

مخبر - بنده گمان میکنم این ماده نقصانی نداشته باشد بوسطه اینکه دولت از مجلس اعتبار سیصد هزار تومان میبخواهد نه دو صد هزار تومان نهایت این است که میگویند این سیصد هزار تومان آنرا با این ترتیب بقرضه صد هزار تومان آن را بنحو اعانه از اهالی دریافت و دو صد هزار تومان دیگر را قرض نمایند بنا بر این اعتبار سیصد هزار تومان است و بعقیده بنده این عبارت که محل اشکال نمیباشد

وزیر فوائد عامه بنده لازم است توضیحا عرض کنم که هیچ گونه خرجی بدون اجازه مجلس نخواهد شد و مسلم است که بهیچ وجه بدون اجازه مجلس از کسی پول اخذ نمی شود لهذا در این لایحه سیصد هزار تومان اعتبار خواسته شده که صد هزار تومان آن را با اهالی حواله دهد و دو صد هزار تومان دیگر را از خود اهالی اصفهان قرض کرده و از بابت مالیات محسوب خواهد داشت

رئیس - آقای عماد السلطنه اصفهانی موافقت می فرمایند؟  
عماد السلطنه - بلی

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)  
ارباب کیخسرو اگر چه مجلس در کلیات رای داد ولی بنده معتقدم که حالا که مجلس رای داده لا اقل ذکر مبلغ نشود و مسکوت عنه باشد و فقط بدولت اجازه داده شود تا دولت تفتیشات خود را نموده و مخارج آن را آنچه بنظرش رسید پیشنهاد نماید

دیگر این که در این جا دو نفری - در بی اظهار موافقت نموده و اظهارات هر دو با هم مخالف بود آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند دولت نظارتی ندارد

آقای وزیر فوائد عامه فرمودند مسلماً

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - موقعیکه بنده است اجازه کرده بودم موقعی بود که در کلیات مذاکره میشد بنده هم میخواستیم در کلیات مذاکره نمایم حالا که رای گرفته شد

خود را عرض میکنم علاوه از بیانات آقای وزیر فوائد عامه معلوم میشود که دقت کاملی در اطراف نشده است و بنده تصور میکنم که با این ماده الحاقیه که مینویسد اجرای مواد فوق در صورتی است که موجب خسارت مهمه غیر قابل جبران بعمل دیگر نکرده بکلی این مواد غیر قابل اجرا خواهد کرد و اگر مجلس هم بخواهد یک رأی غیر قابل اجرائی بدهد کار لغوی خواهد بود بعقیده بنده باید بدو در اطراف این کار دقت و مطالعات عمیق بکنند بعد رأی بدهند

رئیس - اجازه باینده نیست چون رأی بکافی بودن مذاکرات در کلیات داده شده باید در مواد مذاکره نمود  
سلطان العلماء - بنابراین در آخر عرایض خودم را خواهم کرد همین قدر عرض میکنم که خوب است در این ماده اصلاح عبارتی بشود و دو صد هزار تومان نوشته شود

بانظارت دولت خواهد بود.  
بنده بالاخره نفقه میدم که در این موضوع چه صورت خواهد داشت در صورتی که پیشنهاد دولت و رایورت به کمیسیون هر دو بر این دلالت مینماید که مردم باید این پول را بدولت بدهند

بنابر این این باید در لایحه مشخصی بشود که چه کسی باید این پول را خرج نماید و یا خود اهالی؟ چون در این جادو عقیده مخالف اظهار شد خوب است آقای وزیر فوائد عامه توضیح بدهند که مقصود کدام است اگر چه خود بنده عقیده دارم که این پول باید بتوسط دولت خرج شود و مالکین هم نظارت داشته باشند بعلاوه چون باید از روی بصیرت این رأی داده شود و نظر مخالفین هم همین است که دولت تقاضای لازم را بنماید معتمد که قبلاً دولت دقت نموده درست مخارج را برآورد کرده آن وقت مبلغی را که مقتضی بدانند بمجلس پیشنهاد نماید

بنابر این بعقیده بنده فعلاً ذکر مبلغ و تعیین آن لازم نیست وزیر فوائد عامه راجع به مطلبی که فرمودند این خرج را دولت می کند یا مردم این مسئله مسلم است که دولت توسط مأمورین خود این پول را خرج خواهد کرد و راجع بمسئله نظارت چون موقه مبعه فرموده بودند بنده نبودم درست مطلع نبودم که مقصود چه بود این بود که عرض کردم چون این کار بدست دولت انجام خواهد گرفت لذا بنظارت دولت خواهد بود

رئیس - آقای ملک الشعراء و آقای مخالف؟  
ملک الشعراء - مخالفم  
رئیس - بفرمائید

ملک الشعراء - بنده دو اعتراض نسبت باین ماده دارم یکی اعتراض عبارت و یکی هم راجع بمبلغ اعتراضی عبارتی راجع بکلمه کارون است البته آقایان مسبقاً گفتند که این آب را نمیشود آب کارون گفت زیرا این آب مرکب است از چهار چشمه که معروف است برود کوه رنگ که همان کوه رنگ باشد و این آب بطرف شوشتر و دزفول میرود و بعد از الحاق چندین شعبه رود کارون را تشکیل میدهند بنا بر این عقیده بنده این است برای اینکه اعتراض عبارت نشود اصلاح شود نوشته شود تهیه وسائل الحاق آب کوه رنگ به زاینده روده اعتراض تانی راجع به مبلغ است که آقای ارباب کیخسرو هم اظهار نمودند و سایر آقایان مخالفین هم مذاکراتی کرده اند دیگر محتاج بتکرار نیست برای اینکه اگر مبلغ قید شود این طور میرساند که اگر اضافه خرجی لازم شد باید مجدداً بمجلس مراجعه شود

بعقیده بنده این ماده باید طوری تهیه شود که این اشکال مرتفع گردد زیرا آقای سردار جنگ میفرمایند دو کرور خرج دارد خود آقایان پیشنهاد کننده هم یقین ندارند که زیاد برای این خرج نخواهد شد بنابر این بنده نمیتوانم اگر زیاد بر این خرجی لازم شد چه خواهد شد آیا دولت به پر دازد؟ یا از خود اهالی گرفته میشود و اگر بنا باشد از اهالی گرفته شده بچه نخواهد بود؟ آیا بعنوان اهانه خواهد بود بعنوان قرض خواهد بود که بوده از بابت تعقیف مالیات محسوب خواهد شد در صورت این اعتراض بنده جزو سایر اعتراضات اساسی است که آقایان مفصلایان فرمودند تا سافانه مورد توجه واقع نشد.

متخیر - در خصوص آب همانطوری که فرمودید در کمیسیون هم مطالعات زیاد شد اسم آب کوه رنگ است لیکن چون در آنسوا فواید باب کارون معروف است و اگر آب کوه رنگ گفته شود ممکن است مردم نفهمند لذا ما خواستیم در زمینه اصطلاح ذکر اسم کرده باشیم و اشکالی هم ندارد و ممکن است پیشنهاد فرمایند و بنده هم قبول میکنم که رنگ نوشته شود اما راجع بمبلغ البته خود آقای ملک الشعراء هم تصدیق می فرمایند که مجلس نمیتواند یک مبلغ غیر محدودی و باین امر غیر معینی را تصویب کند مسلم است مجلس باید یک مبلغ معین و محدودی اختیار بدهد و اگر تعیین مبلغ ننماید پس از روی چه میزان می تواند تصویب کند که آب کارون را بزاینده رود ملحق نمایند بنا بر این گمان می کنم ذکر مبلغ عیبی نداشته باشد می فرمایند اگر چنانچه خرج بیشتر شد کی باید بپردازد بنده عرض می کنم اولاً باید قدری دقت نمود و اسباب تسهیل امر را فراهم نمود که شاید موفق بانجام این کار بشویم زیرا فرضاً دو کرور تومان هم خرج بشود یک دینار بخارج نمیرود و بلکه بیک قسمت از عمله و فغله و اشخاص بیکار خود ایران خواهد رسید ثانیاً اگر زیاد تر خرج همان کسی که اگر کمتر شد خرج نمی کند اگر زیاد تر هم خرج شد میدهد این چیزی نیست که اشکال داشته باشد مهندس میرود و تحقیق می کند که اولاً این کار عملی است یا خیر؟ ثانیاً ضروری وارد می آید یا نه؟ و البته اگر عملی نبود باینکه ضرر غیر قابل جبران وارد بیاید اقدام نخواهد کرد این ضرر نیست که تصور می فرمایند که بمجرد تصویب مجلس عمله برود شروع بیکار بنماید ما خواستیم در قدم اول از طرف مجلس تصویب شده باشد تا اصفهانی ها و دولت دلگرم بشوند و بدانند که از حالا باید مشغول کار بشوند.

از یکطرف اصفهانی تهیه پول نمایند و از طرف دیگر دولت مهندس و مفتش بفرستد و تحقیقات مقدماتی نماید و بعد که تحقیقات

کامل شد شروع بعمل نماید و این مطلب چندان اشکالی نخواهد داشت  
رئیس - آقای سدید الملك و آقای سدید الملك خیر مخالفم  
رئیس - بفرمائید

سدید الملك - در تمام دنیا دول برای آبادی مملکت بخارجی متحمل میشوند مثل اینکه دیده شده است که اگر دولت بخواید مستعمره را آباد نماید همه قسم کمک و مخارج می کند تا آن مستعمره آباد شود بنده هر چه فکر می کنم نمی فهمم چرا باید چند هزار تومان از خود متحمل این خرج بشود همین قدر برای اصفهانی بس که بدولت سیصد هزار تومان قرض میدهد که ۱۵ سال از بابت مالیات محسوب گردد و بعقیده بنده نباید اصفهانی متحمل این خرج بشود زیرا دولت از این مسئله استفاده می نماید دیگر خرج آن چه ربطی با اهالی اصفهان دارد

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی اجازه

شیخ الاسلام - بنده در کلیات در این خود را عرض نمودم همین قدر خواستم این مطلب را خدمت آقایان عرض کرده باشم که آقایان و کلای اصفهان زیاد در این باب سنک بسینه نزنند و بگذارند از طرف سایر آقایان در این باب اظهاراتی بشود والا ممکن است بنده هم در این قضیه بکنم ولی بنده فقط نظرم این است که ما اظهار حرارتی نکرده باشیم زیرا در قانون اساسی مطرح است که هر کس از هر جا و کیل است و کیل تمام ایران است و منحصر بجوز آن انتخابیه نیست

رئیس - معلوم می شود کلبه آقایان موافقت و دیگر مخالفی نیست  
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی بنده یک اصلاح عبارتی دارم و الا در اصل مسئله موافقم  
رئیس - اگر ایراد عبارتی دارید چون شور اول است ممکن است مرقوم فرمائید بکمیسیون ارجاع خواهد شد ساده دوم قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)  
ماده ۲ - مبلغ مزبور را وزارت مالیه از خود اهالی اصفهان استقراض کرده و دو بیست هزار تومان آن را در ظرف مدت ۱۵ سال با قسط مساویه بابت مالیات اصفهان محسوب و بدون فرع بآنها مسترد خواهد داشت و یکصد هزار تومان آن برعهده خود اهالی خواهد بود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا اجازه  
محمد هاشم میرزا - با کمال عقیده که بلزوم اهمیت ماده موضوع دارم و در کلیات هم عرض کردم بنظر بنده اینطور میرسد که این سیصد هزار تومان که اهالی بدولت

می دهند به ترتیبی که این لایحه نوشته شده صد هزار تومان را واگذار بدولت نموده و دولت هزار تومان آن را دولت از بابت مالیات مسترد نماید این مسئله مخالف با مصالح عمومی است بجهت اینکه مقصود اهالی اصفهان این است که اراضی آنها در سال های خشک سالی بی آب نماند و در سال های دیگر نیز انتقامی ببرند و دولت باید حتی الامکان موجبات این کار را فراهم نماید مثل این است که اهالی اصفهان برای مساعدت بادولت مبلغ سیصد هزار تومان بدولت قرض می دهند عقیده بنده این است که دولت بعد از جریان آب در مدت ۱۵ سال این پول را تمام و کمال بپردازد و در عوض اینکه اهالی بدو این پول را داده اند تا مدتی که تمام قروض دولت به آنها پرداخته نشده منافع آب متعلق بمالکین و قرض دهندگان باشد و بعد از آنکه این سیصد هزار تومان تمام و کمال پرداخته شد این آب بملکیت دولت درآید دولت بعنوان مالکیت مثل آبهای خالصه در آن تصرف نمایند و از آن استفاده نمایند و مالکین نیز غیر از این نباید متوقع باشند این بود پیشنهاد اولی بنده لیکن طور دیگر هم ممکن است و آن این است که اهالی صد هزار تومان بدهند و دولت هم دو بیست هزار تومان بپردازد و بعد از آنکه آب جاری شد نصف انتفاع آب متعلق بدولت و نصف دیگر متعلق با اهالی باشد یا برای اینکه اشکال آقای ارباب کیخسرو هم وارد نیاید ممکن است لفظ دو بیست یا سیصد هزار تومان را موضوع بحث قرار ندهیم و فقط بگوئیم کلبه بخارجی که باز دیده میشود اهالی بپردازند و بعد در مدت ۱۵ سال دریافت دارند و بهمان ترتیب که عرض کردم منتفع بشوند ولی تمام اینها منوط بر رضایت اهالی می باشد یعنی باید بوزارت فوائد عامه اجازه داده شود که ما با اهالی داخل مذاکره کرده و هر یک از ترتیبات ثلاثه را که موجب راحت اهالی و منفعت دولت باشد پذیرفتند همانطور معمول دارند و این ترتیب بعقیده بنده برای دولت بدون ضرر و برای اهالی مفید خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی مخالفید؟  
عماد السلطنه خراسانی - بلی

رئیس - بفرمائید  
عماد السلطنه - بنده بطوریکه بعضی از آقایان مذاکره کرده اند تعیین مبلغ سیصد هزار تومان را در اینجا زائدمی دانم بچه دلیل اهالی مبلغ سیصد هزار تومان خرج کنند و اگر کافی نشود کسر آمد از جیبشان برود پس بهترین است که قبلاً یک عده مهندس از طرف وزارت فوائد عامه مأمور شوند که تقاضای نموده و مخارج را برآورد کرده پس از آنکه بطور تحقیق مخارج